



مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی

ارزیابی همگونی اقتصادی و همگرایی تجاری ایران و شورای همکاری خلیج فارس در فرایند یکپارچگی منطقه ای

آنچه خواهید خواند...

- چکیده مدیریتی
۱. مقدمه و طرح مسئله
 ۲. مبانی نظری و روش پژوهش
 ۳. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های پژوهش
 ۴. مرور قوت ها و فرصت های پیش روی ایران در توسعه روابط با شورا
 ۵. جمع بندی نتایج پژوهش، توصیه های سیاستی و ملاحظات تکمیلی منابع و مآخذ



چکیده مدیریتی

گزارش پژوهشی حاضر در صدد است مولفه‌ها و پیش‌زمینه‌های ایجاد یکپارچگی منطقه‌ای بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را مورد ارزیابی قرار دهد و تاکید مطالعه حاضر بر جنبه‌های اقتصادی یکپارچگی و منطقه‌گرایی کارآمد است. قطعاً مولفه‌های نزدیکی جغرافیایی و مشترکات فرهنگی و باورهای دینی، از نقاط قوت همگرایی میان این کشورها است، منتهی نکته مهم‌تر، عزم و اراده سیاسی حاکمان بر ایجاد یکپارچگی منطقه‌ای کارآمد بین این کشورهاست، که حداقل در چند دهه گذشته بروز قابل توجهی نیافته است. در واقع تا موانع ژئوپلیتیکی بر عوامل قوت ژئواکونومی ایران و این کشورها چیره باشد، امکان شکل‌گیری یکپارچگی منطقه‌ای کارآمد ناممکن است و نضج و شکوفایی امنیت، رفاه و توسعه تجارت و جریان سرمایه‌گذاری در این منطقه در گروی اراده و عزم سیاسی طرفین است.

مطابق نتایج مطالعه، کشورهای عضو شورا در دو دهه گذشته عملکرد اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری بمراتب بهتری از ایران داشته‌اند. به طوری که با وجود جمعیت ۵۸٫۲ میلیون نفری کشورهای شورا نسبت به جمعیت ۸۷٫۹ میلیون نفری ایران، اندازه اقتصاد شورا ۲٫۱ برابر ایران، جریان صادرات آن ۱۲٫۸ برابر ایران و جریان ورودی سرمایه‌گذاری ۳۲٫۵ برابر ایران در سال ۲۰۲۱ بوده است. همچنین رفاه سرانه کشورهای عضو شورا بمراتب بالاتر از ایران و حتی درآمد سرانه پایین‌ترین عضو (عمان)، از درآمد سرانه ایران بمراتب بالاتر (متوسط درآمد سرانه شورا ۳٫۲ برابر درآمد سرانه ایران) است. در واقع در دوره بلندمدت با وجود واگرایی درآمد سرانه ایران با کشورهای عضو شورا، همگونی و تجانس درآمد سرانه در بین کشورهای عضو شورا تحقق یافته است که از دستاوردهای یکپارچگی منطقه در بین کشورهای عضو شورا است. همچنین با وجود مشابهت در ساختار اقتصادی و تجاری اعضای شورا، شدت تجارت درون منطقه‌ای بین اعضای شورا با آهنگی ملایم روبه‌فزونی گذاشته است؛ در واقع تجارت درون منطقه‌ای همسو با تجارت فرامنطقه‌ای و جهانی این کشورها رشد و نمو یافته است و بهترین عملکرد به‌ترتیب از آن قطر، امارات، عمان و عربستان بوده است. اما آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای ایران با اعضای شورا همسو و هماهنگ با آهنگ رشد تجارت جهانی ایران نبوده است (به مثابه انحراف تجارت). مهم‌ترین دلیل عدم توسعه تجارت درون و فرامنطقه‌ای ایران، سطح نازل توسعه‌یافتگی تجارت و ساختار ضعیف صادراتی ایران بوده است و در این شرایط، امکان توسعه تجارت به ویژه تجارت درون منطقه‌ای درون‌زا و پویای چشمگیر میسر نخواهد بود. توسعه تجارت درون و فرامنطقه‌ای ایران، علاوه بر غلبه بر موانع ژئوپلیتیکی و عزم و اراده سیاسی نهاد حکمرانی، در نگرشی کلی نیازمند پیش‌نیازهای زیر است:



نخست، اصلاحات سیاستی کلان برای ثبات محیط اقتصاد کلان ایران با محوریت رشد و توسعه پایدار و فراگیر و کاهش ریسک‌ها با محوریت نرخ تورم و کنترل تکانه‌های غیراقتصادی؛ دوم، اصلاحات در سیاست تجاری ایران با هدف‌گذاری برچیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و ثبات بخشی توام با منطقی‌سازی میزان نرخ تعرفه‌های گمرکی؛ سوم، شناسایی شرکای تجاری طبیعی درون و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایط ایستا و پویای بلندمدت و چشم‌انداز توسعه تجارت پایدار فراگیر بویژه توسعه صادرات صنایع کارخانه‌ای اشتغال‌زا و متعاقبا دانش بنیان؛ چهارم، تحولات ساختاری در تجارت کالا و خدمات ایران با هدف ارتقای مزیت نسبی و دستیابی به مزیت‌های رقابتی با محوریت صنایع اشتغال‌زای ارزآور و متعاقبا دانش بنیان و توسعه انواع خدمات از جمله گردشگری.

پنجم، از بررسی و تحلیل قوت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی ایران در توسعه روابط با اعضای شورا با محوریت عربستان از جمله می‌توان به نقش دیپلماسی اقتصادی، مجموعه عوامل موثر در توسعه روابط، توجه به فرصت‌های راهبردی ایران، جدّیت در سیاست متنوع سازی روابط اقتصادی با اعضای شورا، توجه به ظرفیت انواع طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، نهادهای پشتیبان توسعه تجارت، استفاده از ظرفیت عظیم سرمایه انسانی ایرانی، کنترل و مدیریت شوک‌ها و تکانه‌های غیراقتصادی، تحقق فرصت‌های بالقوه تجاری، و نهایتاً بسته جامع توسعه روابط همه جانبه اشاره کرد.



۱. مقدمه و طرح مسئله

امروزه ترتیبات منطقه‌ای ویژگی بارز روابط بین‌الملل است و تقریباً کشوری را نمی‌توان یافت که تاکنون به عضویت یک یا چند ترتیب منطقه‌ای در نیامده و یا در شرف الحاق به آن نباشد. به‌رغم شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت و عضویت غالب کشورهای جهان در آن، در کنار تعمیق و گسترش همکاری‌های تجاری چندجانبه در سال‌های اخیر، گرایش و رغبت کشورها به بلوک‌های منطقه‌ای بیش از گذشته افزایش یافته است. این موضوع بی‌تردید گواهی بر اهمیت روزافزون بلوک‌های منطقه‌ای در کنار همکاری‌های تجاری چندجانبه در استراتژی‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است. در عصر جهانی‌شدن، توسعه دیگر یک مقوله صرفاً ملی نیست و کشورها برای دستیابی به سطح مطلوبی از امنیت، توسعه و رفاه ملی، به‌ناچار باید زمینه‌های برخورداری از امکانات و منابع منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم نمایند. چگونگی تمهید این سازوکار جهت استفاده از منابع جهانی و منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که امروزه پیش‌روی تمامی کشورها قرار دارد. ایران و کشورهای واقع در گستره پیرامونی آن از این ضرورت برکنار نیستند. اغلب کشورهای واقع در منطقه پیرامونی ایران با در اختیار داشتن ظرفیت‌های بالقوه قابل توجه، مدت‌ها است که در مسیر ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای گام نهاده‌اند. وجود ترتیب اقتصادی منطقه‌ای دیرپا نظیر سازمان همکاری اقتصادی اکو و شورای همکاری خلیج فارس، گواه‌انگیزه‌ها و تمایلات موجود این کشورها در زمینه منطقه‌گرایی است. منتهی در مقایسه با کوشش‌های بسیار که از سوی اغلب این کشورها به عمل آمده، تاکنون پیشرفت متناسب و درخور توجهی در آن حاصل نشده است. به نظر می‌آید در شرایط فعلی حرکت مرحله به مرحله در راستای مراحل تکاملی هم‌پیوندی اقتصادی با اعضای کم (دو و سه‌جانبه) اما کارآمد، اقدام موفقیت‌آمیزی در بین ایران و آن کشورها باشد. از این دیدگاه، کشورهایی که استعداد، انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری‌های اقتصادی دارند و پیوستن دیگر کشورها در مراحل بعد به آن، عملی‌ترین راه برای تحقق هدف نهایی «توسعه منطقه‌ای پایدار» است (حسینی و بزرگی، ۱۳۸۱: ۴).

توسعه همکاری اقتصادی میان کشورها، از علل تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای بوده و این موضوع در بیانیه‌ها و موافقتنامه‌های اتخاذ شده توسط شورای همکاری خلیج فارس نیز مورد تأکید قرار گرفته است. این گونه موافقتنامه‌ها به شرط شمولیت جامع کالاهای مبادله‌ای و جدیت طرفین در اجرا (الزامات و ضمانت اجرایی)، می‌تواند موجب توسعه تجارت میان اعضاء و موجب سرعت بخشیدن به روند ادغام کشورهای واقع در منطقه در نظام تجارت بین‌الملل گردد. این امر همچنین به تحقق خواست این کشورها مبنی برداشتن سهمی متناسب در تجارت جهانی کمک می‌کند. البته در مراحل تکامل ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای، سطح توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها حایز اهمیت ویژه‌ای است. کشوری ممکن است از لحاظ موجودی منابع



و عوامل تولید و توانمندی‌های اقتصادی، آمادگی این ادغام منطقه‌ای را داشته باشد، اما از نظر سیاسی این آمادگی هنوز فراهم نشده باشد و بنابراین در صورت حضور در ترتیبات منطقه‌ای، عدم توسعه سیاسی و یا عدم هماهنگی سیاسی با دیگر اعضای منطقه ممکن است مانع از کارکرد نیروهای مولد اقتصادی شود. به این دلیل است که این فرایند، یک فرایند چندوجهی است و باید به طور متوازن در سطوح سیاسی و اقتصادی به آن توجه شود و به‌ویژه، هنگامی که کشورها تلاش دارند رفتارها را با الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ کنند، این توازن در رابطه با سطوح مختلف توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

شورای همکاری خلیج فارس^۱، یک بلوک اقتصادی و سیاسی متشکل از ۶ کشور عرب (شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان، کویت و بحرین) پیرامون خلیج فارس است که در ۲۵ می سال ۱۹۸۱ با هدف یکپارچگی اقتصادی تشکیل شده است. از نظر سطح و عمق منطقه‌گرایی، این تشکل یک اتحادیه گمرکی است و هنوز با اهداف اتحادیه کامل اقتصادی و واحد پولی مشترک برای تمامی کشورهای عضو شورا، فاصله دارد و البته در ۴۲ سال گذشته گامهای توسعه فراگیر اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری متعددی را برداشته است به طوری که اکنون مرکز ثقل رفاه، تجارت و جریان سرمایه‌گذاری منطقه در مجاورت ایران محسوب می‌شود. بر این اساس، هدف از مطالعه حاضر، پاسخ به این پرسش‌ها است که تجارت درون منطقه‌ای کشورهای عضو شورا (و ایران) چه وضعیتی دارد و طی دو دهه گذشته چه مسیری را طی نموده است؟ و از جنبه درجه همگرایی اقتصادی در مقایسه با دیگر ترتیبات منطقه‌ای (توسعه یافته و در حال توسعه) موفق ارزیابی می‌شود یا نه؟ و با گذشت بیش از چهار دهه از شکل‌گیری شورا، آیا تغییر و تحولات تجاری در این شورا ناشی از اثر ایجاد تجارت بوده است یا انحراف تجارت؟ و امکان شکل‌گیری یکپارچگی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورا از جنبه‌های اقتصادی و تجاری چقدر میسر است؟ در این خصوص دو معیار عمده «همگونی و نزدیکی شاخص‌ها» و «درجه همگرایی تجاری و شدت تجارت» برای ایران و کشورهای عضو شورا طی دوره بلندمدت از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.^۲

مطالعه حاضر در چارچوب بندهای پنج‌گانه مقدمه و طرح مسئله، مبانی نظری و روش پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها و خلاصه نتایج، توصیه‌های سیاستی و پیشنهادها تنظیم و ارائه شده است.

1. PGCC the Persian Gulf Cooperation Council

۲. منابع آماری از نهادهای وابسته به ملل متحد از جمله آنکتاد و صندوق بین‌المللی پول است. اطلاعات آماری به روز خاص ایران در چند سال اخیر به‌ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین، به دوره ۲۰۰۱-۲۰۲۱ بسنده شد که برای اهداف تحقیق کافی به نظر می‌رسد.



۲. مبانی نظری و روش پژوهش

نظریه‌ها و بحث‌های موافق و مخالف فراوانی در رابطه با نقش ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای ابراز شده است. اقتصاددان کانادایی، جاکوب واینر، در مقاله باعنوان «موضوع اتحادیه گمرکی»^۱ نگرانی خود را در مورد این ترتیب تجاری بیان داشت. ایشان بیان می‌کند که وقتی دو کشور براساس توافق، تعرفه‌های خود را در مورد کالاهای یکدیگر حذف می‌کنند اما همین تعرفه‌ها را برای کالاهایی که از کشورهای ثالث وارد می‌شود حفظ می‌کنند، منجر به بهبود سوددهی مبادله برای تاجران دو کشور می‌شود؛ زیرا هر دو کشور محصولات همسایگان مورد توافق (عضو) را که قادر به تولید ارزان تر هستند، وارد می‌کنند. اما باید توجه داشت که در این حالت، تجارت منحرف می‌شود؛ زیرا اکنون دو کشور، کالاهایی از یکدیگر می‌خرند که سابق بر این، از سایر کشورهایی که در تولید آنها کارا تر بودند، وارد می‌کردند. پیام صریح واینر این است که، ترتیب تجاری ترجیحی با تبعیض در آزادسازی تجاری به تجارت اعضای خود و رفاه جهانی آسیب وارد می‌کند (واینر، ۱۹۵۰).^۲ نظریه واینر توسط برخی از اقتصاددانان معاصر مورد انتقاد قرار گرفته است. در مقابل این نظریه، نظریه «شرکای تجاری طبیعی»^۳ مطرح می‌شود. بر این اساس، اگرچه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، ولی تحت تأثیر مسائلی از قبیل جغرافیا قرار دارد و حذف فاصله، هزینه‌های حمل و نقل را کاهش می‌دهد. همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر به داد و ستد می‌پردازند و در این شرایط، انحراف تجاری اندک خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۶؛ کروگمن و لوتز، ۱۹۹۱).^۴ این نظریه به طور تجربی در بسیاری از مناطق جغرافیایی جهان به ویژه در مناطق توسعه یافته نظیر اروپا و آمریکای شمالی تأیید شده است. نظریه‌های اخیر مورد بحث و تجزیه و تحلیل اقتصاددانان و سیاستگذاران اقتصادی از جمله جاگدیش باگواتی اقتصاددان هندی تبار آمریکایی قرار گرفته است. باگواتی یادآوری می‌نماید که اقتصاد دانان پیش گفته، آثار ترتیبات تجاری منطقه‌ای را به صورت ایستا در نظر می‌گیرند و اثرات پویای این ترتیبات را که با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع و یا کاهش موانع تجاری در تجارت جهانی سنجدیده می‌شود، لحاظ نمی‌کنند. باگواتی دو مفهوم بلوک‌های بازدارنده و بلوک‌های سازنده را مطرح می‌کند که به دو مفهوم انحراف تجارت و ایجاد تجارت^۵ که توسط واینر مطرح شده بود، نزدیک است (باگواتی، ۱۹۹۶).^۶

1. The Customs Union Issue

2. Jacob Viner, 1950

3. Natural Trading Partners (NTP)

4. Krugman and Lutz, 1991

5. Trade Diversion (TD) and Trade Creation (TC)

6. Bhagwati, 1996



مساله انحراف تجارت و یا بازدارنده بودن ترتیبات در رشد تجارت ملت‌ها، به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست و بدین لحاظ، به اهداف و اصول تشکیل بلوک‌ها باید توجه بیشتری معطوف شود. در متون تجارت، ترتیبات تجاری منطقه‌ای نوعی سیاست تجاری در راستای کاهش یا حذف موانع و محدودیت‌های تجاری میان اعضا قلمداد می‌شود. انحراف تجارت که به عنوان یکی از آثار منفی ترتیبات تجاری ترجیحی در سطح منطقه‌ای شناخته می‌شود، در حالتی رخ می‌دهد که تولیدات نامرغوب و پرهزینه کشورهای عضو در نتیجه برخورداری از ترجیحات تجاری، جایگزین تولیدات مرغوب‌تر و کم‌هزینه‌تر غیرعضو شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۴۰).^۱ حذف و یا کاهش عوارض وارداتی تولیدات منطقه‌ای که در رقابت مستقیم با تولیدات غیرمنطقه‌ای است، موجب کاهش قیمت تمام شده این نوع محصولات در بازار منطقه‌ای شده و زمینه جایگزینی واردات کم‌هزینه‌تر از غیراعضا را فراهم می‌نماید. انحراف تجارت، هزینه‌ها و آثار سوء زیادی را از خود برجای می‌گذارد. از مهم‌ترین اثرات منفی انحراف تجارت ایجاد اختلال در شرایط طبیعی رقابت، تقسیم منابع و بهره‌گیری از مزیت نسبی در سطح بین‌الملل است. تغییرالگوی مبتنی بر مزیت نسبی در تجارت ناشی از انحراف تجارت، در نهایت موجب کاهش رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود (همان ماخذ: ۴۲). مصرف‌کنندگان داخلی ناگزیر می‌شوند به دلیل وجود اثر انحراف تجارت، کالاهای نامرغوب‌تر تولیدکنندگان منطقه‌ای را با هزینه‌ی گزاف‌تر خریداری نمایند. از دیگر هزینه‌های عمده انحراف تجارت، می‌توان به از دست رفتن عواید و درآمد گمرکی دولت‌ها اشاره کرد. این مساله به طور خاص در ارتباط با کشورهای در حال توسعه که اتکاء بیشتری به درآمد گمرکی به عنوان یکی از منابع تامین بودجه دارند، موضوعیت بیشتری می‌یابد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه ترتیبات تجاری منطقه‌ای به انحراف تجارت منجر می‌گردند؟ در چه شرایطی یک ترتیب تجاری موجب انحراف تجارت خواهد شد؟ و چگونه می‌توان از وقوع انحراف تجارت در یک ترتیب تجاری جلوگیری به عمل آورد؟ در این رابطه باید تصریح کرد که انحراف تجارت موقعی به وقوع می‌پیوندد که در عین حذف و یا کاهش موانع تجاری در قالب یک ترتیب منطقه‌ای، موانع تجاری برای غیراعضا حفظ شود. معمولاً هزینه انحراف تجارت معادل میزان عوارضی است که بر واردات کالاهای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای اعمال می‌شود. بر این اساس، کاهش موانع تجاری برای صادرکنندگان غیرعضو، هم‌زمان با مبادله ترجیحات تجاری بین اعضای ترتیب منطقه‌ای، هزینه انحراف تجارت را کاهش داده و یا از بین می‌برد.

از دیگر شرایط لازم برای وقوع انحراف تجارت، این مساله است که دیگر اعضای یک ترتیب تجاری نیز موانع تجاری مشابهی را برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای اعمال کنند. این موضوع عمدتاً در تجارت آزاد که

1. World Bank, 2000, P:40



اعضا، برخلاف اتحادیه گمرکی، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در رابطه با غیراعضا اقدام نمی‌کنند، مطرح می‌گردد. براین اساس، در صورتی که یکی از اعضای تجارت آزاد موانعی را بر سر صادرات غیراعضا اعمال نکرده و یا تعرفه پایین وضع نماید، هزینه انحراف تجارت در چنین حالتی در منطقه کاهش و یا از بین می‌رود. البته در صورتی که اعضای تجارت آزاد شرایط و ضوابط سخت‌گیرانه‌ای را در رابطه با تعیین مبدا کالاها اعمال نمایند، صادرات مجدد کالاهای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای با دشواری‌هایی مواجه می‌شود که این مساله مانع جلوگیری از انحراف تجارت می‌شود^۱ (هوگمن و شیف: ۲۰۰۲: ۵۵۳).

اگرچه انحراف تجارت از اثرات منفی ترتیبات منطقه‌ای است، ولی ایجاد تجارت از منافع و مهم‌ترین اثرات مثبت آن است. این اثر که موجب افزایش حجم تجارت میان اعضای ترتیبات تجاری می‌شود، زمانی به وقوع می‌پیوندد که تولیدات کارآمدتر و کم هزینه‌تر دیگر اعضای یک ترتیب منطقه‌ای در نتیجه آزادسازی تجاری جایگزین تولیدات غیرکارآمد و هزینه‌بر داخلی شود. از آن جا که اثر ایجاد تجارت در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان منطقه‌ای در ارتباط با بخش‌ها و محصولاتش که قبلاً مورد حمایت قرار گرفته و تجارتی با دنیای خارج در آنها وجود نداشته است، شکل می‌گیرد، فاقد هرگونه اثر سوء برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای است. ایجاد تجارت موجب افزایش بهره‌وری و تخصصی شدن تولیدات منطقه‌ای بر پایه مزیت نسبی و بهبود رفاه عمومی اعضای یک ترتیب منطقه‌ای می‌شود. معمولاً آن دسته از ترتیبات که عمدتاً به ایجاد تجارت منجر می‌گردند، با مخالفت گروه‌های ذی نفوذ داخلی روبرو می‌شوند. اثر ایجاد تجارت، از آنجا که در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان منطقه‌ای شکل می‌گیرد، تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی را با بحران مواجه ساخته و آنها را ناگزیر به افزایش بهره‌وری و یا خروج از گردونه رقابت می‌کنند. تعطیلی تولیدات ناکارآمد، کاهش تولیدات داخلی و از دست رفتن فرصت‌های شغلی در نتیجه سیل واردات از تولیدکنندگان کارآمدتر منطقه‌ای از پیامدهای منفی ایجاد تجارت برای اقتصاد اعضا است. این مساله باعث افزایش فشارهای سیاسی در مخالفت با اینگونه ترتیبات شده و مقاومت‌هایی را بر علیه آزادسازی تجاری منطقه‌ای ایجاد می‌کند. براین اساس، اعضای ترتیبات غالباً برای جلوگیری از اثر ایجاد تجارت و خسارت به تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی در جریان آزادسازی تجارت منطقه‌ای بخش‌ها و یا محصولات خاصی را از شمول تعهدات آزادسازی مستثنی

۱. در کنار شرایط الزامی برای وقوع انحراف تجارت، این شرط را باید افزود که محصولات منطقه‌ای از هرجهت، از جمله سلیقه مصرف‌کنندگان، قابلیت جایگزینی محصولات صادراتی غیراعضا را داشته باشند. درغیراین صورت، مصرف‌کنندگان با وجود برخورداری تولیدات منطقه‌ای از ترجیحات تجاری، همچنان به عرضه‌کنندگان غیرعضو رجوع خواهند کرد. امکان وقوع این شرط در عالم واقع چندان آسان و متداول نیست و مصرف‌کنندگان آماده نیستند تا محصولات تولیدکنندگان مختلف را به آسانی جایگزین کنند. این موضوع در عمل وقوع انحراف تجارت را کاهش، و هزینه آن را برای ترتیبات به حداقل می‌رساند. با این حال، تولیدکنندگان منطقه‌ای با اتکاء به مزیت طبیعی نظیر نزدیکی جغرافیایی و هزینه پایین‌تر حمل و نقل در مقایسه با تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای از قابلیت رقابت برخوردار می‌شوند.

2. Hoekman and Schiff, 2002, P:553

ساخته و یا ابزارها و سازوکارهایی حفاظتی آسانتری را برای آنها فراهم می‌آورند (همان، ۵۵۴). ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام^۱ بین گروهی از کشورها استفاده کرد، تولید ناخالص داخلی (اندازه اقتصاد) کشورهاست. وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصاد و درآمد سرانه به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد (هلپمن، ۱۹۸۷: ۸۱۲).^۲ در واقع کشورها از نظر اندازه اقتصاد به هم نزدیک هستند و تولیدات متنوع‌تری را وارد می‌کنند. نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تایید است. برای ارزیابی یک ترتیب تجاری منطقه‌ای و مقایسه آن با دیگر ترتیبات مشابه موفق و کارآمد، دو شاخص عمده که با معیارهای ایجاد و انحراف تجارت ارتباط نزدیکی دارند، استفاده می‌شود: الف) تجانس یا همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی؛ شاخص همگرایی اقتصادی^۳ و ب) درجه همگرایی تجاری؛ شاخص شدت تجارت^۴.

الف- تجانس و همگونی شاخص‌های اقتصادی: از معیارهای موفقیت یک ترتیب تجاری منطقه‌ای، همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی بویژه تجانس و همگونی درآمد سرانه اعضا است. همگونی یا تجانس شاخص‌ها به این معناست که همه اعضا به تناسب از منافع ترتیب منطقه‌ای برخوردار شده و منافع و عواید ناشی از آزادسازی اقتصادی در سطح منطقه‌ای به صورت عادلانه بین اعضا توزیع می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۵۱). از نمونه ترتیبات منطقه‌ای موفق در دنیا، اتحادیه اروپا است که می‌توان فرایند همگونی و همسان شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضای آن مشاهده کرد. برای نمونه، عضویت در اتحادیه اروپا برای ایرلند، پرتغال و اسپانیا باعث شد تا درآمد سرانه آنها از ۶۱، ۴۹ و ۲۷٪ درآمد سرانه کشورهای بزرگ این اتحادیه در اواسط دهه ۱۹۸۰ به ۹۱، ۶۷ و ۳۸٪ در اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یابد (همان: ۵۲). این مساله به خوبی روند همسان شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضا نشان می‌دهد. تجربه دیگر کشورها به طور خاص کشورهای در حال توسعه، در اغلب موارد خلاف موضوع فوق را ثابت کرده و نشان می‌دهد که این ترتیبات در بین این گروه از کشورها چندان با موفقیت همراه نبوده است. در واقع در اغلب موارد با منطقه‌گرایی بین کشورهای در حال توسعه اختلاف درآمد سرانه و سطح توسعه این کشورها بیش از پیش، تشدید شده است. نتایج یافته‌ها حاکی است ترتیبات بین دو کشور توسعه‌یافته موجب همگونی درآمد سرانه

1. Integration
2. Helpman
3. Economic Convergency Index (ECI)
4. Trade Intensity Index (TII)



آنها شده و این فرایند در بین دو کشور فقیر با اختلاف سطح توسعه موجب ناهمگونی بین شاخص‌های اقتصادی آنها می‌شود. به نظر می‌رسد این مساله به دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت در این ترتیبات بین کشورهای در حال توسعه با درجه توسعه‌ای نامتوازن است.

ب- همگرایی تجاری: از معیارهای موفقیت و کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای، درجه ترتیب اقتصادی بین اعضای آن منطقه است. این موضوع از طریق نسبت تجارت درون منطقه‌ای اعضا و دیگر مبادلات اقتصادی درون منطقه‌ای نظیر جریان سرمایه‌گذاری خارجی آنها قابل ارزیابی است. نسبت تجارت درون منطقه‌ای در بین ترتیبات منطقه‌ای موجود در دنیا با یکدیگر اختلاف عمده‌ای دارند. مطالعات نشان می‌دهد که نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین اعضا با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه بین کشورهای با درآمد پایین است. شدت تجارت به عنوان شاخص همگرایی تجاری، از طریق اندازه‌گیری نسبت تجارت درون منطقه‌ای یک کشور به تجارت فرامنطقه‌ای آن و یا سهم آن در تجارت غیرمنطقه‌ای تعیین می‌شود. این نسبت در ارتباط با کلیه اعضای یک ترتیب منطقه‌ای به صورت دسته جمعی نیز قابل اندازه‌گیری است. شاخص شدت تجارت را علاوه بر آن که می‌توان در ارتباط با کل تجارت یک منطقه به صورت عام بکار گرفت، برای شناخت دقیق تر آثار منطقه‌گرایی، می‌توان آن را در سطح جزئی‌تر در ارتباط با بخش‌ها و یا کالاهای خاص محاسبه کرد^۱.

اندازه‌گیری شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به بهای کاهش تجارت یک منطقه با دنیا شده و یا آن که افزایش تجارت به صورت هماهنگ و متوازن اتفاق افتاده است. اندازه‌گیری شدت تجارت، آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را نیز به صورت پویا نشان داده و مشخص می‌کند که آیا در صورت کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به وقوع پیوسته است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت خواهد بود. در مقابل، در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب منطقه‌ای وجود خواهد داشت (همان ماخذ، ص ۱۱۵). شاخص شدت تجارت (صادرات) از نسبت سهم شریک تجاری به کل تجارت (صادرات) منطقه / کشور و سهم کل تجارت (صادرات) جهانی همان شریک تجاری محاسبه می‌شود. در ادامه نحوه محاسبه شاخص شدت تجارت (صادرات) به شرح روابط زیر ارایه شده است^۲:

1. Sheila, 2000, PP:113-115

2. Asian Development Bank (2022), Integration Indicators technical notes

$$XW_{ij} = \frac{x_{ij}/X_{iw}}{x_{ij}/X_{ww}}$$

$$TW_{ij} = \frac{t_{ij}/T_{iw}}{t_{ij}/T_{ww}}$$

XW_{ij} یا TW_{ij} = شاخص شدت تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ; X_{ij} یا t_{ij} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ; T_{iw} یا X_{iw} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کل جهان؛ t_{wj} یا x_{wj} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی کشور / منطقه j و T_{ww} یا X_{ww} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی. روند بلندمدت شاخص شدت تجارت برای کشور / منطقه اگر روبه بهبود گذارد، به معنای اهمیت روبه افزایش تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (ایجاد تجارت) است و بالعکس اگر روند بلندمدت این شاخص روبه افول / تنزل یابد، گویای کاهش اهمیت تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (انحراف تجارت) است. این شاخص برای جریان دوجانبه و منطقه‌ای تجارت بویژه برای صادرات کالا کاربرد دارد.

داده‌های آمارهای بین‌المللی مطالعه از نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت، صندوق بین‌المللی پول و کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و ارزیابی شده است؛ منتهی اطلاعات آماری به روز ایران در چند سال اخیر به ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین برای تحلیل‌های مقاطع مختلف سالانه از ابتدای دوره (۲۰۰۱) تا انتها (۲۰۲۱) بسنده شده است که البته برای هدف‌های این نوشتار کافی به نظر می‌رسد. با توجه به نتایج پژوهش، داده‌های خام آمارهای بین‌المللی به شرح زیر گردآوری، تنظیم و دسته‌بندی شده است: داده‌های آماری اقتصاد کلان بین‌الملل و همچنین شاخص‌های همگونی درآمد سرانه اعضای شورا و ایران، و داده‌های آماری سیر تحولات سیاست تجاری با تکیه بر تعرفه‌های گمرکی کشورهای عضو شورا و ایران از گزارش‌های سالانه تجارت و سرمایه‌گذاری کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) و بانک جهانی جمع‌آوری شده است. داده‌های آماری شرکای تجاری منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورا و همچنین شدت تجارت از گزارش سالانه آمارهای بین‌المللی تجارت صندوق بین‌المللی پول جمع‌آوری شده است.^۱



۱. در ادامه در متن گزارش، اسامی باختصار و کوتاه شورا (شورای همکاری خلیج فارس)، امارات (امارات متحده عربی) و عربستان (عربستان سعودی) درج شده است.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

از سرفصل‌های چندگانه نتایج پژوهش، سرفصل همگونی و تجانس اقتصادی اعضا، همگرایی تجاری اعضا، شرکای تجاری طبیعی اعضا و سیاست تجاری اعضا بر متغیرهایی تمرکز دارند که بیشترین تاثیرپذیری را از عملکرد شورا و آثار یکپارچگی منطقه‌ای دارند. بنابراین این گزارش بر همگونی اقتصادی و همگرایی تجاری درون گروهی تمرکز دارد.

۳-۱) ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس و ایران

۱. اندازه اقتصاد کشورهای عضو شورا ۱۶۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ بود. عربستان با اندازه اقتصاد ۸۳۰ میلیارد دلار، نزدیک نیمی (۴۹ درصد) از کل اندازه اقتصاد شورا سهم دارد. اندازه اقتصاد امارات با ۴۱۸ میلیارد دلار، ۲۵ درصد از اندازه اقتصاد شورا در رتبه دوم قرار دارد. این ۲ کشور جمعاً ۱۲۴۹ میلیارد دلار، ۷۴ درصد از اندازه اقتصاد شورا را از آن خود دارند. اندازه اقتصاد شورا در سلطه اقتصاد عربستان و امارات واقع است. در سال ۲۰۲۱، بالاترین و پایین‌ترین درآمد سرانه با ۶۹۰۶۶ دلار از آن قطر و ۱۶۳۲۸ دلار از آن عمان است. از لحاظ درآمد سرانه امارات، کویت، بحرین و عربستان در مراتب ۲ تا ۵ قرار دارند. در این سال، بالاترین رشد اقتصادی با ۴٫۳۶+ درصد از آن امارات بود. درآمد سرانه ایران بمراتب پایین‌تر است به طوری که ۱۳ درصد درآمد سرانه قطر و حتی نسبت به پایین‌ترین درآمد سرانه عضو شورا (عمان)، پایین‌تر است. بعلاوه این‌که رشد اقتصادی ایران ۵٫۹- درصد بوده که گویای تعمیق شکاف در درآمد سرانه ایران با اعضای شورا است.
۲. صادرات و واردات کالایی اعضای شورا در سال ۲۰۲۱ به ترتیب ۹۱۸٫۶ و ۶۰۵٫۵۷ میلیارد دلار بوده، که ۴٫۱۱ و ۲٫۶۸ درصد از صادرات و واردات کالایی جهان سهم داشته است. تراز تجارت کالایی شورا به رقم چشمگیر ۳۱۳٫۲ میلیارد دلار مثبت بوده که از تراز تجاری مثبت دو کشور عربستان و امارات به ترتیب با ۱۲۳٫۳ و ۷۷٫۶ میلیارد دلار نتیجه می‌شود. دو کشور امارات و عربستان به ترتیب با ۴۲۵٫۲ و ۲۷۶٫۲ میلیارد دلار صادرات و جمعاً ۷۰۱٫۴ میلیارد دلار، ۷۶٫۴ درصد از صادرات شورا سهم داشته است. همچنین بین اعضا، این دو کشور به ترتیب با ۳۴۷٫۵ و ۱۵۲٫۹ میلیارد دلار واردات و جمعاً ۵۰۰٫۴ میلیارد دلار، ۸۲٫۶ درصد از واردات شورا سهم داشته است. رابطه مبادله (به سال پایه ۲۰۱۵=۱۰۰) تجارت کالایی اعضای شورا در سال ۲۰۲۱ بالاتر از ۱۰۰ بوده و در این بین بالاترین رابطه مبادله ۱۵۶ از آن قطر و پایین‌ترین ۹۷ از آن عمان است. رابطه مبادله تجارت بقیه اعضا با بیش از ۱۱۲، در مراتب بعدی قرار دارند.



۳. در سال ۲۰۲۱، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ اعضای شورا ۴۵٫۶ میلیارد دلار بوده که ۱٫۴ درصد از جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان سهم داشته است. دو کشور امارات و عربستان با به پای هم با ۲۰٫۷ و ۱۹٫۳ میلیارد دلار جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی، جمعاً ۴۱ میلیارد دلار؛ ۹۰ درصد جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی شورا سهم دارند. این در حالی است جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران به ارزش ۱٫۴ میلیارد دلار، ۳ درصد کل جریان ورودی کشورهای عضو شورا، بسیار پایین بوده است.
۴. همچنین در شرایطی که تمامی کشورهای عضو شورا تورم تک رقمی و حتی منفی را تجربه می‌کنند، ایران با تورم ۴۰٫۱ درصد جزء بالاترین نرخ تورم در منطقه و جهان را شاهد بوده است.
۵. از ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی کشورهای عضو شورا نتیجه می‌شود دو بازیگر نخست، عربستان و امارات است. در واقع از جنبه اندازه اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری این دو کشور نقش ممتاز و بازیگر کلیدی شورا است. در حالی که جمعیت ایران با ۸۷٫۹ میلیون نفر، ۱٫۱ درصد از جمعیت جهان را در خود دارد. سهم ایران از سه متغیر کلیدی توسعه شامل اندازه اقتصاد، صادرات و جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ترتیب ۰٫۸۳، ۰٫۳۲ و ۰٫۰۹ درصد است. این در شرایطی است که جمعیت شورا ۵۸٫۲ میلیون نفر، ۰٫۷۴ درصد از جمعیت جهان است. سهم شورا از سه متغیر کلیدی توسعه شامل اندازه اقتصاد، صادرات و جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان به ترتیب ۱٫۷۵، ۴٫۱۱ و ۲٫۸۸ درصد بوده است. با وجود جمعیت بالای ایران (۸۷٫۹ میلیون نفر) به کل جمعیت شورا (۵۸٫۲ میلیون نفر)، از سه جنبه توسعه اقتصاد کلان ایران با شورا گویای تعمیق شکاف است (اندازه اقتصاد ایران ۴۷ درصد شورا، صادرات ایران ۷٫۸ درصد شورا و جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی ایران ۳ درصد شورا). از این سه متغیر اقتصاد کلان بالاترین شکاف در جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی و جریان تجارت بوده است که دورنمای رشد و توسعه ایران را با نگرانی مواجه می‌سازد.
۶. نکته مهم‌تر این که در چارچوب یکپارچگی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورا، اوضاع اقتصاد کلان، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی ایران از بالقوه تا بالفعل بسیار فاصله است و به ویژه اوضاع و احوال ثبات محیط اقتصاد کلان ایران از جمله ثبات محیط اقتصاد کلان، رشد اقتصادی، نرخ تورم ایران نامناسب ارزیابی می‌شود. گفتنی است سرانه این شاخص‌ها در بین ایران و کشورهای عضو شورا تعمیق شکاف را آشکارتر می‌سازد، به طوری که وضعیت سرانه این شاخص‌ها از پایین‌ترین سرانه عضو شورا، بمراتب پایین‌تر است. بنابراین در چارچوب یکپارچگی منطقه‌ای، تا اوضاع و احوال محیط اقتصاد کلان ایران به ثبات نسبی ارتقا نیابد، یکپارچگی منطقه‌ای ایران با شورا امکان‌ناپذیر است.

1. Foreign Direct Investment (FDI)



جدول (۱). شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان بین الملل و تجارت کشورهای عضو شورا و ایران، ۲۰۲۱

شرح	تجارت کالایی			تجارت خدمات		تراز حساب جاری	اندازه اقتصاد			جریان FDI		نوع	جمعیت
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات	واردات		GDP	سرانه	رشد	خروجی	ورودی		
			۱۰۰=۲۰۱۵									درصد	میلیون نفر
بحرین	۲۲,۳۷	۱۴,۱۹	۱۱۲	۱۳,۲۳	۱۰,۲۹	+۲,۶	۳۸,۲۳	۲۶۱۸۳	+۳,۲	۰,۰۶	۱,۷۷	-۰,۶	۱,۴۶
کویت	۶۳,۱۳	۳۱,۸۹	۱۲۵	۱۰,۸۴	۲۰,۶۸	+۲۱,۷۳	۱۳۸,۸۲	۳۲۶۶۴	+۳,۲	۳,۶۳	۰,۲۰	۳,۴	۴,۲۵
عمان	۴۴,۵۹	۳۱,۰۰	۹۷	-۲,۴۴	۷۳,۸۰	۱۶۳۲۸	+۲,۳	۰,۵۸	۳,۶۲	۱,۵	۴,۵۲
قطر	۸۷,۲۰	۲۷,۹۹	۱۵۶	۱۸,۳۵	۳۴,۳۴	+۲۶,۲۹	۱۸۵,۷۹	۶۹۰۶۶	+۳,۵	۰,۱۶	-۱,۰۹	۲,۳	۲,۶۹
عربستان	۲۷۶,۱۸	۱۵۲,۸۵	۱۴۰	۱۰,۳۰	۷۳,۲۸	+۴۴,۳۲	۸۳۰,۳۰	۲۳۰۹۶	+۳,۳	۲۳,۸۶	۱۹,۲۹	۳,۱	۳۵,۹۵
امارات متحده	۴۲۵,۱۶	۳۴۷,۵۳	-	۱۰۱,۸۴	۷۶,۱۱	+۴۷,۹۵	۴۱۸,۴۹	۴۴۶۶۳	+۴,۳	۲۲,۵۵	۲۰,۶۷	۰,۲	۹,۳۷
شورا	۹۱۸,۶۳	۶۰۵,۴۵	-	۱۵۴,۵۶	۲۱۴,۷۰	+۱۴۰,۴۵	۱۶۸۵,۴۳	۲۸۹۳۹		۵۰,۸۴	۴۵,۵۵	-	۵۸,۲۴
سهام شورا	۴,۱۱	۲,۶۸	-	۲,۵۵	۳,۸۲	-	۱,۷۵	-	-	۲,۹۸	۲,۸۸	-	۰,۷۴
ایران	۷۱,۶	۴۹,۰	۱۳۸	۵,۸	۱۱,۱	-	۷۹۵,۳	۹۰۴۸	-۵,۹	۰,۰۸	۱,۴	۴,۰۱	۸۷,۹
جهان	۲۲۳۲۸	۲۲۵۸۷	۱۰۳	۶۰۷۲	۵۶۲۳	۷۱۰	۹۶۲۵۶,۲	۱۲۱۷۰	+۵,۷	۱۷۰۸	۱۵۸۲	۴,۸	۷۹۰۹,۳

ماخذ: نتایج یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های خام آماری UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2021, 86-97.

۲-۳) تجانس و همگونی درآمد سرانه کشورهای عضو شورا و ایران

تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص تجانس و همگونی درآمد سرانه برای کشورهای عضو شورا و ایران طی مقاطع سالانه در جدول (۲) ارائه شده است. در ستون ۱ و ۲ جدول، کشورهای عضو شورا و ایران و مقاطع سالانه بلندمدت ۲۰ ساله از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ نیز درج شده است. در ستون ۳ جدول، تولید ناخالص داخلی سرانه (باختصار تولید سرانه) کشورهای عضو شورا و ایران در مقاطع سالانه مدنظر درج شده است. مطابق اطلاعات آماری مندرج در جدول مذکور، نکات تحلیلی زیر خاطر نشان می‌شود:

۱. بالاترین تولید سرانه در بین کشورهای عضو شورا، به دو کشور قطر و امارات تعلق دارد که از ابتدا تا انتهای دوره تولید سرانه آن دو کشور کمابیش نزدیک به هم و رو به افزایش گذاشته است. در مقابل، در طول دوره پایین‌ترین تولید سرانه در بین کشورهای شورا، از آن عمان بوده است. البته با وجود تولید سرانه نازل عمان در مقایسه با کشورهای عضو شورا، این کشور توانسته تولید سرانه را از ۸,۳ هزار دلار به ۱۹,۵ هزار دلار، به طور چشمگیری افزایش دهد. در فاصله این دو طیف بالاترین و پایین‌ترین تولید سرانه، سه کشور بحرین، کویت و عربستان قرار دارند. در این بین عمان در مقایسه با تمام اعضا، طی دوره عملکرد بر مراتب قوی تری را شاهد بوده است.



۲. ستون ۴ جدول، شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه به سال پایه ۲۰۰۰=۱۰۰ (باختصار شاخص تولید سرانه) کشورهای عضو شورا طی مقاطع سالانه دوره بلندمدت را در بر می‌گیرد. مطابق این شاخص بالاترین عملکرد تولید سرانه طی این دوره به ترتیب از آن عربستان، قطر، عمان و بحرین بوده است که طی دوره این کشورها تولید سرانه را بیش از دو برابر افزایش داده اند و برای بقیه اعضا شاخص تولید سرانه طی دوره پایین‌تر بوده است.

۳. ستون ۵ و ۶ جدول، همگونی و تجانس تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص تجانس و همگونی منطقه‌ای تولید سرانه را برای کشورهای عضو شورا طی دوره بلندمدت نشان می‌دهد. به همین منظور، تولید ناخالص داخلی سرانه قطر از اعضای شورا، به عنوان شاخص و مبنای همگونی و تجانس تولید سرانه منطقه‌ای، وضعیت تولید سرانه اعضا نسبت به تولید سرانه قطر (کشور شاخص) سنجیده شده است. همگونی و تجانس تولید سرانه کشورهای شورا در مقیاس منطقه‌ای طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ به طور معناداری قابل مشاهده است، چراکه همگونی و همسان شدن درآمد سرانه با محوریت قطر (عدد ۱۰۰)، در ابتدا (سال ۲۰۰۰) و انتهای دوره (۲۰۲۱) برای عربستان از ۳۲ به ۳۵ بهبود یافته است که همگونی و تجانس درآمد سرانه در این بین را تایید می‌کند. همچنین البته فرایند همگونی و همسان شدن تولید سرانه با محوریت قطر، برای بحرین از ۴۶ به ۳۹، کویت از ۷۱ به ۴۶ و امارات از ۱۱۶ به ۶۶ هر چند روبه کاهش گذاشته است، منتهی یکایک این کشورها نیز عملکرد درآمد سرانه مناسبی داشته‌اند. چراکه برای برخی کشورها بدون تغییر (عمان)، برای برخی کشورها واگرا (امارات) و برای برخی دیگر همگرایی و تجانس درآمد سرانه (عربستان) اتفاق افتاده است. بنابراین همگونی و تجانس تولید سرانه در بین بسیاری اعضای شورا تایید می‌شود.

۴. مقایسه همگونی و تجانس درآمد سرانه ایران با کشورهای عضو شورا نشان می‌دهد در طول دوره بلندمدت ۲۰ سال گذشته، درآمد سرانه ایران به طور عمومی پایین‌تر، و از شکاف درآمد سرانه ایران با آن کشورها کاسته نشده است. در واقع با وجود آن که درآمد سرانه ایران از ۱۶۷۲ دلار در سال ۲۰۰۰ به ۴۰۹۱ دلار در سال ۲۰۲۱، ۲٫۴۵ برابر شده است، منتهی همگونی و تجانس درآمد سرانه ایران در مقایسه با کشور شاخص منطقه، با عدد ۶ در ابتدا و انتهای دوره بدون تغییر مانده است. به ویژه آنکه همچنان شکاف عظیمی بین درآمد سرانه ایران با کشور شاخص وجود دارد (از شاخص ۱۰۰ برای درآمد سرانه قطر، عدد ۶ برای شاخص درآمد سرانه ایران است).



جدول (۲): تجانس و همگونی در تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPPC) ایران و اعضای شورا، دوره بلندمدت ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱

(واحد ارقام به: دلار جاری، سال پایه ۲۰۰۰=۱۰۰ و قطر کشور شاخص شورا)

شرح	GDPPC	شاخص GDPPC	همگونی منطقه‌ای	شاخص همگونی منطقه‌ای
بحرین	۲۰۰۰	۱۰۰	۴۶	۱۰۰
	۲۰۱۰	۱۶۶	۲۹	۶۳
	۲۰۱۵	۱۷۹	۳۴	۷۴
	۲۰۲۰	۱۸۴	۴۵	۹۸
	۲۰۲۱	۲۰۹	۳۹	۸۵
کویت	۲۰۰۰	۱۰۰	۷۱	۱۰۰
	۲۰۱۰	۲۰۱	۵۴	۷۶
	۲۰۱۵	۱۵۰	۴۴	۶۲
	۲۰۲۰	۱۲۵	۴۶	۶۵
	۲۰۲۱
عمان	۲۰۰۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰
	۲۰۱۰	۲۷۱	۳۱	۱۰۳
	۲۰۱۵	۲۲۶	۲۸	۹۳
	۲۰۲۰	۲۰۱	۳۲	۱۰۷
	۲۰۲۱	۲۳۵	۲۹	۹۷
قطر	۲۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	۲۰۱۰	۲۶۶	۱۰۰	۱۰۰
	۲۰۱۵	۲۴۴	۱۰۰	۱۰۰
	۲۰۲۰	۱۹۰	۱۰۰	۱۰۰
	۲۰۲۱	۲۴۳	۱۰۰	۱۰۰
عربستان	۲۰۰۰	۱۰۰	۳۲	۱۰۰
	۲۰۱۰	۲۰۴	۲۵	۷۸
	۲۰۱۵	۲۲۷	۳۰	۹۴
	۲۰۲۰	۲۲۲	۳۷	۱۱۶
	۲۰۲۱	۲۶۴	۳۵	۱۰۹
امارات	۲۰۰۰	۱۰۰	۱۱۶	۱۰۰
	۲۰۱۰	۱۰۷	۴۷	۴۱
	۲۰۱۵	۱۳۰	۶۲	۵۳
	۲۰۲۰	۱۱۸	۷۲	۶۲
	۲۰۲۱	۱۳۹	۶۶	۵۷
ایران	۲۰۰۰	۱۰۰	۶	۱۰۰
	۲۰۱۰	۳۸۶	۹	۱۵۰
	۲۰۱۵	۲۹۹	۷	۱۱۷
	۲۰۲۰	۱۶۴	۵	۸۳
	۲۰۲۱	۲۴۵	۶	۱۰۰

Source: World Development Indicators. Click on a metadata icon for original source information to be used for citation.

۵. شاخص همگونی تولید سرانه منطقه‌ای گویای آن است بالاترین تجانس و همگونی تولید سرانه منطقه‌ای برای کشورهای عضو شورا، برای عربستان از ۱۰۰ به ۱۰۹ رخ داده است. در مقابل مطابق این



معیار ضعیف‌ترین تجانس و همگونی برای امارات از ۱۰۰ به ۵۷ و کویت از ۱۰۰ به ۶۵ مشاهده می‌شود. در این بین، بالاترین مشابهت و نزدیکی تولید سرانه در کل طول دوره بلندمدت برای دو کشور قطر، عمان و عربستان رخ داده است.

۶. مجموعه متغیرهای اقتصادکلان از جمله تولید سرانه، تورم و رشد اقتصادی یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی به طور غیر مستقیم و در شرایط اتحادیه کامل اقتصادی (که با تحرک عوامل و سیاستهای اقتصادی واحد) متاثر می‌شوند. متغیرهای اقتصاد کلان در هر کشور متاثر از سیاست‌های پولی و مالی (داخلی) و سیاست تجاری آن کشور است. همچنین، عوامل متعدد ساختاری در کشورها مانند نهادها، شرایط سیاسی، ثبات محیط اقتصاد کلان، فضای کسب و کار و شوک‌ها و تکانه‌های غیر اقتصادی از جمله تحریم‌ها و نظایر آنها به شدت تاثیر گذار هستند که نمونه بارز آن برای اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ رخ داد و بیم آن می‌رود در دهه نخست ۱۴۰۰ تداوم یابد.

۳-۳) شرکای تجاری اصلی (فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای) کشورهای عضو شورا و ایران

شرکای تجاری اصلی و کلیدی نخست (صادرات محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی) فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای کشورهای عضو شورا و ایران برای سال ۲۰۲۰ (واحد ارقام ارزش کل صادرات به میلیارد دلار، ارزش صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی به میلیون دلار و دسترسی به درصد) در جدول (۳) درج شده است. مطابق اطلاعات آماری جدول مذکور نتایج زیر خاطر نشان می‌شود:

۱. صادرات بحرین ۱۱,۵۶ میلیارد دلار بوده که ۶,۴ میلیارد دلار آن معادل ۵۵,۴ درصد به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۵۲,۷ درصد از کل صادرات، امارات، عربستان، اتحادیه اروپا، مالزی و آمریکا است. بنابراین از اعضای شورا، امارات، عربستان و کویت، شرکای تجاری نخست در صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی بحرین حضور دارند و شرکای طبیعی صادراتی بحرین محسوب می‌شوند.

۲. صادرات کویت ۴۰,۱۵ میلیارد دلار بوده که ۳۱,۳ میلیارد دلار معادل ۷۸ درصد آن به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۷۷,۴ درصد از کل صادرات آن، چین، کره، هند، ژاپن و ویتنام است. بنابراین از اعضای شورا، هیچکدام شرکای تجاری طبیعی صادرات

۱. بانک جهانی در طبقه‌بندی اقتصادهای جهان ۲۰۲۲ در چهار گروه درآمدی؛ بالا، متوسط-بالا، متوسط-پایین و کم درآمد، ایران را در گروه اقتصادی با سطح درآمدی متوسط پایین قرار داده است. از علل تنزل موقعیت ایران، رشد پایین و توقف رشد تولید ناخالص داخلی همراه با سقوط ارزش خارجی ریال اشاره کرد (بانک جهانی، ۲۰۲۳).



- غیرکشاورزی کویت نیستند. البته عربستان، قطر، امارات و بحرین، شرکای تجاری طبیعی صادرات کشاورزی کویت محسوب می‌شوند.
۳. صادرات عمان ۳۳,۴۸ میلیارد دلار بوده که ۲۸,۶ میلیارد دلار معادل ۸۵,۳ درصد آن به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۸۳,۵ درصد از کل صادرات، چین، هند، کره، امارات و ژاپن است. بنابراین از اعضای شورا، تنها امارات، شریک تجاری طبیعی عمان است. صادرات کشاورزی عمان به بازار امارات، عربستان، قطر، کویت و بحرین روانه می‌شود و این ۵ عضو شورا، شرکای تجاری طبیعی صادرات کشاورزی عمان محسوب می‌شوند.
۴. صادرات قطر ۵۱,۵ میلیارد دلار بوده که ۳۷,۳ میلیارد دلار معادل ۷۲,۴ درصد آن به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۷۲,۱ درصد از کل صادرات، ژاپن، چین، هند، کره و اتحادیه اروپا است. بنابراین از اعضای شورا، هیچکدام شریک تجاری طبیعی قطر نیستند. صادرات کشاورزی سهمی از صادرات قطر ندارد. بنابراین قسمت اعظم صادرات غیرکشاورزی قطر به بازار جهانی روانه شده و هیچکدام از اعضای شورا جایگاه ندارند.
۵. صادرات عربستان ۱۷۶,۵ میلیارد دلار بوده که ۱۱۳,۶ میلیارد دلار معادل ۶۴,۴ درصد آن به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۶۳,۱ درصد از کل صادرات، چین، ژاپن، هند، کره و اتحادیه اروپا است. بنابراین از اعضای شورا، هیچکدام، شریک تجاری طبیعی عربستان نیستند. بنابراین قسمت اعظم صادرات غیرکشاورزی عربستان به بازار جهانی روانه شده و هیچکدام از اعضای شورا جایگاهی ندارند. صادرات کشاورزی عربستان در مقایسه با اعضای شورا قابل توجه است که به بازار اعضای شورا از جمله امارات، کویت و بحرین عرضه می‌شود.
۶. صادرات امارات ۳۳۵,۳ میلیارد دلار بوده که ۸۴,۵ میلیارد دلار معادل ۲۵,۲ درصد آن به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۲۴,۴ درصد از کل صادرات، هند، چین، ژاپن، سوئیس و اتحادیه اروپا است. بنابراین از اعضای شورا، هیچکدام، شریک تجاری طبیعی امارات نیستند. بنابراین قسمت اعظم صادرات غیرکشاورزی امارات به بازار جهانی روانه شده و هیچکدام از اعضای شورا جایگاهی ندارند. صادرات کشاورزی امارات در مقایسه با اعضای شورا قابل توجه است که به بازار اعضای شورا از جمله عربستان و کویت روانه می‌شود.
۷. از بین اعضای شورا، کشورهای با اندازه اقتصاد و تجارت کوچک‌تر نظیر بحرین، در بازار اعضای شورا حضور موثرتری دارند. اما هرچه اندازه اقتصاد و تجارت کشوری بزرگ‌تر می‌شود نظیر امارات، عربستان و قطر، محصولات غیرکشاورزی کمتری را به اعضای شورا صادر می‌کنند. صادرات محصولات کشاورزی

اعضای شورا با وجود آنکه نازل است، منتهی به بازار کشورهای منطقه بویژه به بازار اعضای شورا عرضه شده است.

۸. صادرات ایران ۴۱،۰۴ میلیارد دلار بوده که ۹،۷ میلیارد دلار معادل ۲۳،۷ درصد آن به ۵ شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۲۰،۱ درصد از کل صادرات، چین، ترکیه، اتحادیه اروپا، پاکستان و ارمنستان است. بنابراین هیچکدام از اعضای شورا در بازار صادرات غیرکشاورزی ایران جایگاهی ندارند. البته صادرات کشاورزی ایران به بازار اعضای شورا از جمله امارات و قطر عرضه می‌شود. با وجود مجاورت ایران و کشورهای عضو شورا، بازار ایران جزو شرکای تجاری صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی هیچکدام از ۶ عضو شورا قرار ندارد. همچنین بازار اعضای شورا در بازار صادرات غیرکشاورزی ایران جایگاهی ندارد و تنها امارات و قطر در بازار صادرات کشاورزی ایران حضور دارند.

۹. در دو دهه گذشته به ویژه از سال ۲۰۱۰ ارزش کل صادرات کالایی (نفت و غیرنفتی) ایران دستخوش نوسان‌های شدید و بی‌ثباتی اساسی گردید. به طوری که در دهه اخیر بالاترین و پایین‌ترین ارزش کل صادرات ایران با ۱۳۷،۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ و ۴۱،۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ صورت گرفته است. به این ترتیب ارزش کل صادرات ایران در سال ۲۰۲۰ یک سوم ارزش صادرات در سال ۲۰۱۱ بوده است. در واقع در دهه ۲۰۱۰ ارزش کل صادرات ایران تنزل توام با نوسان‌های شدید را شاهد بوده است. از دلایل عمده کاهش توام با نوسان شدید ارزش صادرات ایران ریشه در صادرات نفت ایران دارد. ارزش صادرات نفت خام ایران کاملاً متأثر از وضع تحریم‌ها و تشدید آن بوده است. تحریم‌ها از ۴ کانال میزان صدور، قیمت صادراتی، محدودیت شرکای صادراتی و دسترسی به ارزهای نفتی، ارزش صادرات نفت ایران را تحت الشعاع قرار داده است.

۱۰. در این بین هیچ عضوی از شورا از توسعه تجارت دوجانبه متوازی برخوردار نبوده و شریک تجاری طبیعی متقابل کامل یکدیگر محسوب نمی‌شوند. در واقع هیچ عضوی از شورا قسمت قابل ملاحظه‌ای از واردات را از کشورهای شورا تامین نکرده و قسمت زیادی از صادراتشان را به این کشورها روانه نمی‌کنند. در واقع، تجارت درون منطقه‌ای دوجانبه متقابل شورا بالا ارزیابی نمی‌شود. جریان تجارت دوجانبه موجود بین ایران و اعضای شورا، گویای آن است که به طور عمومی ایران و بسیاری از اعضای شورا شرکای تجاری طبیعی متقابل بالایی محسوب نمی‌شوند، البته در موارد خاص از تجارت دوجانبه متقابل بالقوه برخوردارند.

۱۱. کمتر عضو شورا یکی از ۵ شریک نخست صادرات غیرکشاورزی ایران است. هیچکدام این کشورها به طور متقابل بخش مهمی از صادرات و واردات را با ایران مبادله نکرده‌اند. در این بین، ایران بدلیل



محدودیت در شرکای فرامنطقه‌ای، در توسعه تجارت با همسایگان، امارات در بین شرکای تجاری صادراتی حضور دارد.

۱۲. نظر به ناهمگونی و عدم تجانس نسبی اندازه صادرات و واردات اعضای شورا و ایران، امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای بالا و هم‌پای اقتصادهای بزرگ با درآمد سرانه بالا میسر نیست مگر آن‌که در بلندمدت ایران با درآمد فعلی پائین در مسیر رشد بالا قرار گرفته و اندازه اقتصاد و درآمد سرانه ایران تا چند برابر اندازه فعلی افزایش یابد و متعاقباً تجارت خارجی و تجارت با اعضای شورا گسترش یافته و متنوع‌تر گردد.

جدول (۳). ارزش تجارت و صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی ایران و اعضای شورا به ۵ شریک تجاری نخست: سال ۲۰۲۰

صادرات به ۵ شریک تجاری نخست و ارزش صادرات به آن‌ها					دسترسی ^۱	صادرات	شرح	
					۰٫۵	۱۱٫۵۶	کل	بحرین
موریتانی (۹)	استرالیا (۱۰)	کویت (۶۵)	امارات (۶۹)	عربستان (۱۶۴)	۰٫۰	۳۱۷	کشاورزی	
آمریکا (۵۷۲)	مالزی (۷۳۰)	اتحادیه اروپا (۷۵۳)	عربستان (۱۶۳۱)	امارات (۲۴۰۱)	۰٫۵	۶۰۸۷	غیرکشاورزی	
					۱٫۰	۴۰٫۱۵	کل	کویت
اردن (۱۱)	بحرین (۱۳)	امارات (۲۶)	قطر (۵۹)	عربستان (۱۸۰)	۰٫۰	۲۵۹	کشاورزی	
ویتنام (۳۲۰۲)	ژاپن (۴۵۵۸)	هند (۵۲۱۳)	کره (۵۸۲۸)	چین (۱۲۲۵۸)	۱٫۰	۳۱۰۵۹	غیرکشاورزی	
					۱٫۲	۳۳٫۴۸	کل	عمان
بحرین (۳۶)	کویت (۳۷)	قطر (۱۰۸)	عربستان (۲۰۰)	امارات (۲۲۶)	۰٫۰	۶۰۷	کشاورزی	
ژاپن (۱۴۶۳)	امارات (۱۶۰۹)	کره (۲۱۷۷)	هند (۳۰۷۲)	چین (۱۹۶۲۵)	۱٫۲	۲۷۹۴۶	غیرکشاورزی	
					۱٫۹	۵۱٫۵۰	کل	قطر
مالزی (۱)	مراکش (۱)	اتحادیه اروپا (۳)	ترکیه (۴)	کویت (۴)	۲٫۲	۱۳	کشاورزی	
اتحادیه اروپا (۳۵۳۷)	کره (۷۵۶۲)	هند (۷۹۳۰)	چین (۸۹۴۲)	ژاپن (۹۱۶۹)	۱٫۹	۳۷۱۴۰	غیرکشاورزی	
					۱٫۴	۱۷۶٫۵۱	کل	عربستان
اتحادیه اروپا (۷۷)	بحرین (۳۶۸)	اردن (۳۷۶)	کویت (۵۷۷)	امارات (۷۸۸)	۰٫۲	۲۱۸۶	کشاورزی	
اتحادیه اروپا (۱۵۷۴۵)	کره (۱۵۹۸۰)	هند (۱۶۱۶۴)	ژاپن (۱۸۴۱۷)	چین (۴۵۱۴۶)	۱٫۵	۱۱۱۴۵۲	غیرکشاورزی	

صادرات به ۵ شریک تجاری نخست و ارزش صادرات به آن‌ها					دسترسی ^۱	صادرات	شرح	
					۲,۷	۳۳۵,۳۰	کل	امارات
اردن (۱۶۴)	کویت (۳۸۲)	هند (۳۹۳)	چین (۴۷۶)	عربستان (۱۱۷۰)	۵,۹	۲۵۸۵	کشاورزی	
اتحادیه اروپا (۹۱۶۹)	سوئیس (۱۰۱۱۴)	ژاپن (۱۶۳۶۱)	چین (۲۰۰۶۱)	هند (۲۶۲۱۳)	۲,۶	۸۱۹۱۸	غیرکشاورزی	
					۳,۹	۴۱,۰۴	کل	ایران
قطر (۱۰۷)	هند (۱۴۲)	امارات (۲۱۲)	اتحادیه اروپا (۴۰۵)	چین (۶۱۷)	۷,۹	۱۴۸۳	کشاورزی	
ارمنستان (۲۸۸)	پاکستان (۲۹۶)	اتحادیه اروپا (۲۹۸)	ترکیه (۹۹۶)	چین (۶۳۵۰)	۳,۲	۸۲۲۸	غیرکشاورزی	

Source: WTO ITC UNCTAD, World Tariff Profiles 2022, PP: 8-184; Download the data: www.wto.org/statistics

۳-۴ سیاست تجاری با محوریت تعرفه‌های وارداتی کشورهای عضو شورا و ایران

در جدول (۴)، برای محصولات (کل، کشاورزی، غیرکشاورزی) سیاست تجاری (در دو دسته مورد تعهد و مورد عمل غیرتبعیض آمیز (MFN) از دامنه، ابعاد و جنبه‌های مختلف میانگین ساده / وزنی نرخ تعرفه، تعرفه صفر، تعرفه غیرارزشی، تعرفه تا ۱۵ درصد، تعرفه بیش از سه برابر میانگین، حداکثر تعرفه و نظایر آن برای واردات کشورهای عضو شورا و ایران بر مبنای جدیدترین آمارهای تجاری در دسترس - سال ۲۰۲۱- آرایه شده است. مطابق اطلاعات جدول ۴ موارد زیر را می‌توان خاطر نشان ساخت:

۱. کامل‌ترین اطلاعات مرتبط با سیاست تجاری برای تمامی کشورهای عضو شورا به جز ایران درج شده است. در این بین اطلاعات آمار تعرفه گمرکی ایران بسیار ناقص، نامعتبر و دور افتاده (پرت) و به روز نیست.

۲. میانگین ساده تعرفه‌های گمرکی نشانگر میانگین نرخ تعرفه گمرکی مصوب در جداول مقررات گمرکی کشورها است (نرخ تعرفه گمرکی که در کتاب مقررات گمرکی کشورها مشاهده می‌شود)، اما میانگین وزنی تعرفه گمرکی گویای آن است که با نرخ تعرفه گمرکی وضع شده، چه میزان واردات در عمل انجام شده است (نرخ تعرفه موزون). بالاترین شکاف برای ارقام میانگین ساده و وزنی تعرفه‌ها از آن ایران بوده است. از دلایل شکاف و فاصله بین میانگین ساده و موزون ریشه در مداخلات پر دامنه و وسیع دولت در تجارت از جمله حمایت‌ها، انحراف‌ها، قیمت‌گذاری و شکاف نرخ ارز است.

۳. در بین اعضای شورا، برای تمامی اعضا همگونی و تجانس در میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی برای انواع محصولات کشاورزی، غیر کشاورزی و تولیدات صنعتی مشاهده می‌شود. بعلاوه، در طی دوره به جز ایران، روند میانگین ساده بویژه وزنی تعرفه گمرکی برای محصولات با آهنگ و شیبه ملایم روبه کاهش بوده است.



۴. دامنه میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی برای محصولات کشاورزی، غیرکشاورزی و تولیدات صنعتی این کشورها به جز ایران هماهنگ و همگن بوده است. در واقع دامنه تعرفه برای انواع محصولات با پراکنش بالایی مواجه نبوده است. حال آن که دامنه تعرفه‌ها برای انواع محصولات در ایران ناهمگون و نامتجانس است.
۵. سیاست تجاری ایران صرفاً به تعرفه‌های گمرکی محدود نمی‌شود. در شرایط خاص بین‌المللی اقتصاد ایران با محوریت تحریم‌ها، انواع مداخلات، کنترل‌ها در قالب ممنوعیت‌ها، مجوزها و محدودیت‌ها در سیاست تجاری ایران سلطه داشته و بنابراین سیاست تجاری ایران با شفافیت، پیش‌آگاهی و پیش‌بینی‌پذیری فاصله دارد.
۶. مطابق اطلاعات آماری مندرج در جدول ۴ هم اینک تمامی ۶ کشور عضو شورا در سیاست تجاری به یک مجموعه ابزارهای سیاستی مشترک و هماهنگ دست یافته است. در واقع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در فرایند تکاملی یکپارچگی منطقه‌ای مراحل نخستین موافقتنامه تجارت ترجیحی و آزاد را گذرانده و هم اینک در چهارچوب اتحادیه گمرکی قابل ارزیابی و دسته‌بندی هستند. به طوری که علاوه بر نظام تجاری هماهنگ در بین اعضای شورا، با کشورهای خارج از شورا به یک سیاست تجاری مشترک دست یافته است.

جدول (۴). سیاست تجاری و تعرفه کاربردی MFN بر مبنای ۶ رقم HS کل تولیدات،

کشاورزی و غیرکشاورزی ایران و شورا: سال ۲۰۲۱

شرح	بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران	
درصد شمول تعهدات تعرفه‌ای ^۱	کشاورزی کل	۹۹٫۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
	غیرکشاورزی	۶۵٫۵	۹۹٫۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
میانگین ساده ^۲	مورد تعهد	کشاورزی کل	۳۴٫۹	۹۸٫۰	۱۴٫۰	۱۵٫۷	۱۱٫۴	۱۴٫۵
		کشاورزی غیرکشاورزی	۳۹٫۴	۱۰۰	۲۸٫۰	۲۵٫۵	۱۷٫۸	۲۵٫۶
		غیرکشاورزی	۳۳٫۸	۹۷٫۷	۱۱٫۷	۱۴٫۰	۱۰٫۴	۱۲٫۷
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کشاورزی کل	۴٫۸	۴٫۶	۵٫۶	۵٫۱	۶٫۳	۴٫۸	
	کشاورزی غیرکشاورزی	۵٫۹	۵٫۱	۱۱٫۵	۸٫۰	۱۰٫۷	۶٫۱	
	غیرکشاورزی	۴٫۶	۴٫۶	۴٫۶	۴٫۶	۵٫۶	۴٫۶	
درصد خطوط فاقد تعرفه ^۳	مورد تعهد	کشاورزی کل	۲٫۰	۲٫۰	۶٫۱	۳٫۰	۶٫۸	۳٫۱
		کشاورزی غیرکشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰٫۱	۰
		غیرکشاورزی	۲٫۳	۲٫۳	۷٫۱	۳٫۵	۸٫۰	۳٫۶
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کشاورزی کل	۱۰٫۹	۱۰٫۵	۱۰٫۵	۱۰٫۵	۱۰٫۵	۱۰٫۵	
	کشاورزی غیرکشاورزی	۲۶٫۴	۲۳٫۴	۲۳٫۴	۲۳٫۴	۲۳٫۵	۲۳٫۴	
	غیرکشاورزی	۸٫۴	۸٫۴	۸٫۴	۸٫۴	۸٫۵	۸٫۴	
درصد خطوط دارای تعرفه‌ای غیرارزشی ^۴	مورد تعهد	کشاورزی کل	۰	۰	۰٫۰	۰	۱٫۳	۰
		کشاورزی غیرکشاورزی	۰	۰	۰	۰	۸٫۹	۰
		غیرکشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰٫۱	۰
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کشاورزی کل	۰٫۲	۱٫۶	۰٫۷	۰	۱٫۷	۱٫۵	
	کشاورزی غیرکشاورزی	۱٫۳	۸٫۷	۲٫۸	۰	۹٫۸	۸٫۷	
	غیرکشاورزی	۰	۰٫۴	۰٫۳	۰	۰٫۴	۰٫۳	
درصد خطوط دارای تعرفه‌های بیش از ۱۵ درصد ^۵	مورد تعهد	کشاورزی کل	۶۸٫۳	۹۷٫۹	۶٫۰	۱۷٫۸	۱٫۳	۰٫۸
		کشاورزی غیرکشاورزی	۹۹٫۹	۱۰۰	۱۱٫۴	۲۴٫۰	۶٫۳	۵٫۷
		غیرکشاورزی	۶۲٫۲	۹۷٫۶	۵٫۱	۱۶٫۸	۰٫۴	۰
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کشاورزی کل	۰٫۴	۰٫۲	۱٫۱	۰٫۷	۱٫۲	۰٫۲	
	کشاورزی غیرکشاورزی	۱٫۳	۱٫۳	۷٫۲	۴٫۳	۶٫۰	۱٫۳	
	غیرکشاورزی	۰٫۳	۰	۰٫۱	۰٫۱	۰٫۴	۰	
درصد خطوط دارای تعرفه‌های بیش از ۳ برابر میانگین ^۶	مورد تعهد	کشاورزی کل	۲٫۱	۰	۷٫۳	۵٫۳	۱٫۳	۰٫۸
		کشاورزی غیرکشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
		غیرکشاورزی	۰٫۳	۰٫۳	۱٫۴	۰٫۸	۰٫۲	۰٫۸
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کشاورزی کل	۱٫۳	۱٫۳	۷٫۲	۴٫۳	۱٫۴	۱٫۳	
	کشاورزی غیرکشاورزی	۰٫۳	۰	۰٫۱	۰٫۱	۰٫۴	۰	
	غیرکشاورزی	۰٫۳	۰٫۳	۱٫۴	۰٫۱	۰٫۴	۰٫۲	

1. Binding coverage in %
2. Simple average: Bound and MFN applied
3. Duty-free
4. Non ad valorem duties
5. Duties > 15%
6. Duties > 3*AVG



شرح	بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران
درصد خطوط دارای امتیازات اجرا نشده ^۱	کل	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
	کشاورزی	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
	غیرکشاورزی	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰
مورد تعهد	کل	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
	کشاورزی	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
	غیرکشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۲۰	۳۰	۱۵	۱۵
حداکثر نرخ تعرفه ^۲	کل	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰
	کشاورزی	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۵۵
	غیرکشاورزی	۲۰	۵	۱۰۰	۲۰	۵	۱۰۰
مورد تعهد	کل	۴	۲	۱۵	۱۶	۱۱	۱۱
	کشاورزی	۳	۱	۱۱	۱۰	۲	۲
	غیرکشاورزی	۳	۲	۹	۱۴	۱۰	۱۰
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کل	۸	۳	۱۰	۵	۷	۱۵
	کشاورزی	۷	۳	۱۰	۴	۷	۹
	غیرکشاورزی	۴	۲	۳	۴	۲	۱۵
مورد تعهد	کل	۴۰	۱۹	۱۳۹	۱۰۹	۱۱۹	۱۱۹
	کشاورزی	۶۴	۰	۱۵۵	۱۶۲	۱۶۸	۱۶۸
	غیرکشاورزی	۲۶	۲۲	۵۲	۴۱	۳۵	۳۵
مورد عمل غیرتبعض آمیز	کل	۱۹۲	۱۱۳	۲۱۲	۱۵۹	۱۸۶	۹۲
	کشاورزی	۳۴۵	۲۳۲	۲۶۱	۲۴۵	۳۳۴	۷۸
	غیرکشاورزی	۳۸	۳۲	۵۵	۳۶	۳۲	۹۳
تعداد خطوط تعرفه مورد عمل غیرتبعضی ^۵	کل	۷۵۲۰	۱۲۵۷۷	۷۵۷۷	۷۶۴۱	۷۵۷۷	۸۲۶۷
	کشاورزی	۱۲۱۷	۱۲۶۳	۱۲۶۳	۱۲۶۰	۱۲۶۳	۱۱۱۰
	غیرکشاورزی	۶۳۰۳	۶۳۱۴	۶۳۱۴	۶۳۸۱	۶۳۱۴	۷۱۵۷

Source: WTO ITC UNCTAD, World Tariff Profiles 2022, PP: 8-25; Download the data: www.wto.org/statistics

۳-۵ شاخص کارآمدی منطقه‌گرایی در بین کشورهای عضو شورا و ایران

شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به قیمت کاهش تجارت یک منطقه با دنیا بوده و یا آن‌که افزایش تجارت درون منطقه‌ای به صورت هماهنگ و متوازن با توسعه تجارت با جهان رخ داده است. شاخص شدت تجارت آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را نیز به صورت پویا نشان داده و مشخص می‌کند که آیا با وجود کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به

1. Concessions not yet implemented
2. Maximum duty
3. Number of distinct duty rates
4. Coefficient of variation
5. Number of MFN applied tariff lines



وقوع پیوسته است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و یکسان بودن دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت است. در مقابل، در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت بدلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب منطقه‌ای رخ می‌دهد. در جداول (۵) و (۶)، نتایج محاسبات شاخص شدت صادرات از طریق اندازه‌گیری نسبت صادرات درون منطقه‌ای هر کشور به صادرات فرامنطقه‌ای آن و یا سهم آن در صادرات غیرمنطقه‌ای برای اعضای شورا و ایران ارایه شده است. براساس اطلاعات جدول، نتایج زیر را می‌توان خاطر نشان کرد:

۱-۵-۳) شدت روابط تجاری در کشورهای عضو شورا

۱. صادرات کالایی شورا به جهان از ۲۲۶٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۷۹۲ میلیارد دلار و ۹۰۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ روبه افزایش گذاشته است. طی این دو دوره، رشد صادرات شورا (۱۳٫۳ و ۷٫۲ درصد) در مقایسه با رشد صادرات جهانی (۹٫۴ و ۶٫۳ درصد)، سبب شده سهم صادرات شورا از صادرات جهانی از ۳٫۶۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۵٫۲۵ و ۴٫۱ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ تغییر یابد. در واقع آهنگ رشد صادرات شورا از آهنگ رشد صادرات جهانی بالاتر بوده و به سبب پیشی گرفتن رشد صادرات شورا از رشد صادرات جهانی، سهم صادرات شورا از صادرات جهانی در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ روبه افزایش گذارده است. البته آهنگ رشد صادرات شورا در دهه ۲۰۱۰ پایین‌تر از دهه ۲۰۰۰ بوده است.

۲. صادرات درون منطقه‌ای شورا از ۱۳٫۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۷۱٫۵ و ۸۸٫۱۴ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ روبه افزایش گذاشته است. طی این دو دوره، رشد صادرات درون گروهی شورا (۱۸٫۳ و ۹٫۹ درصد) در مقایسه با رشد صادرات شورا (۱۳٫۳ و ۷٫۲ درصد)، سبب شده سهم صادرات درون منطقه‌ای از صادرات کالایی شورا از ۵٫۸۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۹٫۰۳ و ۹٫۷۲ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱، با ۱٫۵۳ و ۱٫۶۵ برابر طی دوره، روبه افزایش گذاشته است.

۳. شاخص شدت تجارت (صادرات) در شورا از ۱٫۵۹۶ واحد در سال ۲۰۰۱ به ۱٫۷۲۰ و ۲٫۳۷۱ واحد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ رو به افزایش است. شاخص شدت تجارت به سال پایه ۲۰۰۱ از واحد ۱۰۰ به ۱۰۷٫۸ و ۱۴۸٫۵ در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ روبه بهبود بوده است. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای از کل صادرات جهانی شورا توأم با افزایش چشمگیر سهم صادرات کالایی جهانی شورا از صادرات جهانی باعث شده تا به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا، شاخص شدت تجارت روبه



فزونی گذارد. طی دوره افزایش شاخص شدت صادرات با رشد سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا هماهنگ است. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا باعث شده تا شاخص شدت صادرات در شورا افزایش یابد.

۴. هرچند سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا نازل است و به جز تعدادی از کشورهای با اندازه تجارت پایین، غالب صادرات اعضا با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد ولیکن روند آن در دو دهه گذشته روبه فزونی گذارده است. بدین ترتیب افزایش سهم شورا در صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا گویای آن است که حداقل طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۲۱ بهبود در شدت روابط تجاری شورا منجر به توسعه صادرات جهانی آن شده است (ایجاد تجارت). با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی یا برابر بودن نوسان‌های آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت روابط تجاری در اثر افزایش صادرات درون منطقه‌ای توأم با افزایش سهم شورا در صادرات جهانی، نشانه وقوع ایجاد تجارت است. با وجود این، دامنه سهم صادرات درون منطقه‌ای پایین، حداقل ۵٫۸۹ درصد در ابتدای دوره در سال ۲۰۰۱ و حداکثر ۱۰٫۲۶ درصد در انتهای دوره در سال ۲۰۲۰، ۱٫۷۴ برابر؛ ۷۴ درصد افزایش یافته است.

۵. تحلیل پیش‌گفته با شدتی پایین‌تر برای شدت تجارت (صادرات) ایران و اعضای شورا قابل تعمیم است. به طوری که آهنگ رشد جهانی صادرات ایران به جهان پایین‌تر از آهنگ رشد صادرات ایران به کشورهای عضو شورا بوده است و همچنین آهنگ رشد شدت تجارت ایران با اعضای شورا در دهه ۲۰۱۰ پرشتاب‌تر از دهه ۲۰۰۰ اتفاق افتاده است (به مثابه انحراف تجارت). با وجود این، تجارت درون منطقه‌ای ایران و اعضای شورا پایین و همچنان کمتر از ۱۰ درصد ارزیابی می‌شود.

جدول (۵). شاخص شدت تجارت (صادرات) درون منطقه‌ای شورا و ایران طی مقاطع سالانه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱

شرح	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۱
صادرات جهانی (میلیارد دلار)	۶۱۳۶٫۶	۱۵۰۹۹٫۰	۱۶۴۱۶٫۹	۱۷۴۹۲٫۲	۲۲۱۴۳٫۶
ارزش صادرات جهانی شورا (میلیارد دلار)	۲۲۶٫۶	۷۹۲٫۰	۶۹۲٫۷	۶۸۴٫۵	۹۰۷٫۰
سهم ارزش صادرات جهانی شورا (درصد)	۳٫۶۹	۵٫۲۵	۴٫۲۲	۳٫۹۱	۴٫۱۰
صادرات درون منطقه‌ای شورا (میلیارد دلار)	۱۳٫۳۵	۷۱٫۵۰	۶۷٫۸۳	۷۰٫۲۱	۸۸٫۱۴

۱. نظر به اینکه مفهوم انحراف تجارت با فرض سیاست تجاری تبعیضی (ترجیحی) شکل می‌گیرد به کارگیری این مفهوم در خصوص کشوری فاقد ترجیح خالی از اشکال نبوده است و بنابراین از مفهوم به مثابه انحراف تجارت استفاده شده است.

شرح	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۱
سهم صادرات درون گروهی شورا (درصد)	۵,۸۹	۹,۰۳	۹,۷۹	۱۰,۲۶	۹,۷۲
شدت تجارت (صادرات) درون گروهی شورا	۱,۵۹۶	۱,۷۲۰	۲,۳۲۰	۲,۶۲۴	۲,۳۷۱
شاخص شدت تجارت (صادرات) شورا (۲۰۰۱=۱۰۰)	۱۰۰	۱۰۷,۸	۱۴۵,۴	۱۶۴,۴	۱۴۸,۵
ارزش صادرات جهانی شورا و ایران (میلیارد دلار)	۲۵۰,۵	۹۰۰,۶	۷۵۲,۷	۷۲۵,۵	۹۸۲,۱
سهم ارزش صادرات جهانی شورا و ایران (درصد)	۴,۰۸	۵,۹۶	۴,۵۸	۴,۱۵	۴,۴۴
صادرات درون گروهی شورا و ایران (میلیارد دلار)	۱۴,۲۱	۷۵,۲۲	۷۳,۶۳	۷۲,۱۲	۹۴,۰۹
سهم صادرات درون گروهی شورا و ایران (درصد)	۵,۶۷	۸,۳۵	۹,۷۸	۹,۹۴۱	۹,۵۸۰
شدت تجارت (صادرات) درون گروهی شورا و ایران	۱,۳۹۰	۱,۴۰۱	۲,۱۳۶	۲,۳۹۵	۲,۱۵۸
شاخص شدت تجارت (صادرات) شورا و ایران (۲۰۰۱=۱۰۰)	۱۰۰	۱۰۰,۷۹	۱۵۳,۶۶	۱۷۲,۳۳	۱۵۵,۲۴

Source: https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx?avpm.

۲-۵-۳ همگرایی تجارت (صادرات) دوجانبه کشورهای عضو شورا و ایران

۱. صادرات امارات به جهان از ۱۱۵,۵ میلیارد دلار (سهم ۱,۸۸ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۳۵۰,۱ و ۴۲۵,۲ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با سهم ۲,۳۱ و ۱,۹۲ درصد از جهان)، رتبه نخست از بین ۶ عضو شورا را دارد. صادرات درون منطقه‌ای امارات به شورا و ایران از ۸,۷۶ میلیارد دلار (سهم ۷,۶ درصد از کل صادرات آن) به ۴۴ و ۵۸,۷ میلیارد دلار (سهم ۱۲,۶ و ۱۳,۸ درصد) شدیداً روبه افزایش است. صادرات امارات به شورا و ایران به ترتیب به بازار عربستان، عمان، کویت، ایران، بحرین و قطر در سال ۲۰۲۱ صادر شده است. در واقع امارات از ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی به طور مناسبی بهره‌جسته است.

۲. صادرات عربستان به جهان از ۶۷,۷ میلیارد دلار (سهم ۱,۱ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۲۵۱,۶ و ۲۶۷ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با سهم ۱,۶۷ و ۰,۸۳ درصد از جهان)، رتبه دوم از بین ۶ عضو شورا را دارد. صادرات درون منطقه‌ای عربستان به شورا و ایران از ۱,۸ میلیارد دلار (سهم ۲,۶ درصد از کل صادرات آن) به ۸,۷ و ۹ میلیارد دلار (سهم ۳,۴ و ۳,۴ درصد) روبه افزایش است. صادرات عربستان به شورا و ایران به ترتیب به بازار امارات، کویت، امارات و بحرین و قطر در سال ۲۰۲۱ صادر شده است. قسمت اعظم صادرات عربستان فرامنطقه‌ای بوده و رتبه ایران در صادرات عربستان ۱۹۹ است.

۳. صادرات قطر به جهان از ۱۰,۷ میلیارد دلار (سهم ۰,۱۷ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۷۵ و ۸۷,۲



- میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با جهش و خیز سهم ۰٫۵ و ۰٫۳۹ درصد از جهان)، رتبه سوم از بین ۶ عضو شورا را دارد. صادرات درون منطقه‌ای قطر به شورا و ایران از ۰٫۳۴ میلیارد دلار (سهم ۳٫۲ درصد از کل صادرات آن) به ۹ و ۶ میلیارد دلار (سهم ۱۲ و ۶٫۹ درصد) با نوسان روبه افزایش است. صادرات قطر به شورا و ایران به ترتیب به بازار امارات، کویت و عمان در سال ۲۰۲۱ روانه شده است. در واقع قطر همانند امارات از ظرفیت‌های صادرات منطقه‌ای و جهانی به طور مناسبی بهره‌جسته است.
۴. صادرات کویت به جهان از ۱۶٫۲ میلیارد دلار (سهم ۰٫۲۶ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۶۲٫۷ و ۶۳٫۱ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با سهم ۰٫۴۲ و ۰٫۲۹ درصد از جهان)، رتبه چهارم از بین ۶ عضو شورا را دارد. صادرات درون منطقه‌ای کویت به شورا و ایران از ۰٫۳۹ میلیارد دلار (سهم ۲٫۴ درصد از کل صادرات آن) به ۱٫۵ و ۲٫۰ میلیارد دلار (سهم ۲٫۴ و ۳٫۲ درصد) بطئی روبه افزایش است. صادرات کویت به شورا و ایران به ترتیب به بازار امارات، عربستان، قطر و عمان در سال ۲۰۲۱ روانه شده است. در واقع کویت همانند امارات و قطر از ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی به طور مناسبی بهره‌جسته است.
۵. صادرات عمان به جهان از ۱۱٫۱ میلیارد دلار (سهم ۰٫۱۸ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۳۶٫۶ و ۴۴٫۶ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با سهم ۰٫۲۴ و ۰٫۲۰ درصد از جهان)، رتبه پنجم از بین ۶ عضو شورا را دارد. صادرات درون منطقه‌ای عمان به شورا و ایران از ۱٫۵ میلیارد دلار (سهم ۱۳٫۷ درصد از کل صادرات آن) به ۵٫۹ و ۷٫۴ میلیارد دلار (سهم ۱۶٫۱ و ۱۶٫۶ درصد) روبه افزایش است. صادرات عمان به شورا و ایران به ترتیب به بازار امارات، عربستان، قطر، ایران و کویت در سال ۲۰۲۱ روانه شده است. در واقع عمان همانند امارات و قطر از ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی به طور مناسبی بهره‌جسته است.
۶. صادرات بحرین به جهان از ۵٫۶ میلیارد دلار (سهم ۰٫۰۹ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۱۶٫۱ و ۱۹٫۳ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با سهم ۰٫۱۱ و ۰٫۰۹ درصد از جهان)، رتبه آخر از بین ۶ عضو شورا را دارد. صادرات درون منطقه‌ای بحرین به شورا و ایران از ۰٫۵۷ میلیارد دلار (سهم ۱۰٫۲ درصد از کل صادرات آن) به ۲٫۵ و ۵ میلیارد دلار (سهم ۱۵٫۳ و ۲۵٫۶ درصد) روبه افزایش است. صادرات بحرین به شورا و ایران به بازار امارات، عربستان، عمان و کویت روانه شده است.
۷. ارزش صادرات ایران به جهان از ۲۳٫۹ میلیارد دلار (سهم ۰٫۳۴ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱ به ۱۰۸٫۶ و ۷۵٫۱ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ (با سهم ۰٫۷۲ و ۰٫۳۴ درصد از جهان)، پرنوسان بوده است. صادرات درون منطقه‌ای ایران به شورا از ۸۵۸ میلیون دلار (با سهم ۳٫۶ درصد از کل صادرات) به ۳٫۷ و ۵٫۹ میلیارد دلار (با سهم ۳٫۴ و ۷٫۹ درصد) شدیداً روبه افزایش بوده است. صادرات ایران به اعضای شورا، تنها به امارات ۴٫۹ میلیارد دلار، ۸۳ درصد کل صادرات به شورا است. صادرات ایران

در طول دوره بویژه دهه ۲۰۱۰ پرنوسان و بی ثبات، و آسیب پذیر بوده است. به طوری که هم‌اینک در سال ۲۰۲۱ صادرات کشورهای امارات، عربستان و بویژه قطر کشور کوچک عضو شورا، از صادرات ایران پیشی گرفته‌اند.

جدول (۶). شدت تجارت (صادرات) دوجانبه در بین اعضای شورا و ایران در مقاطع سالانه دو دهه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱

شرح	بهرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران \$M	صادرات شورا		صادرات جهانی		همگرایی تجاری	
								\$M	%	شاخص	%	۱۰۰=۲۰۰۱	۱۰۰=۲۰۰۱
بحرین	۲۰۰۱	۱۱۵	۱۶۱	۶۱۹	۱۱۶	۳۶۷	۳۰	۲۴۵۲	۱۵,۳	۱۶۰۵۹	۰,۱۱	۱۱۳,۲	۱۰۰
	۲۰۱۵	۴۰۰	۱۳۴	۲۶۸	۴۲۱۹	۹۵۳	۷	۵۹۸۱	۴۳,۳	۱۳۸۱۹	۰,۰۸	۵۴۱,۳	۴۷۷,۷
	۲۰۲۰	۲۲۴	۴۷۹	۱	۱۹۴۳	۱۰۱۹	۰,۰۳	۳۶۶۶	۳۱,۷	۱۱۵۶۰	۰,۰۷	۴۵۲,۹	۳۹۹,۷
	۲۰۲۱	(۱۲)۲۸۴	(۶)۵۷۰	(۵۱)۲۰	(۳)۲۴۶۱	(۲)۲۴۶۱	(۱۰۰)۰,۴	۴۹۵۸	۲۵,۶	۱۹۳۳۲	۰,۰۹	۲۸۴,۴	۲۵۱,۱
کویت	۲۰۰۱	(۱۷)۲۶	(۲۰)۲۲	(۱۰)۲۳	(۲)۱۶۴	(۳)۱۳۰	(۱۶)۲۲	۳۸۷	۲,۴	۱۶۱۶۵	۰,۲۶	۹,۲۳	۱۰۰
	۲۰۱۰	۱۰۴	۸۴	۱۲۶	۴۹۰	۶۰۷	۱۱۲	۱۵۲۳	۲,۴	۶۲۶۹۸	۰,۴۲	۵,۷	۶۱,۹
	۲۰۱۵	۱۱۸	۸۸	۲۳۹	۸۵۱	۸۱۹	۵۹	۲۱۷۴	۳,۹	۵۵۱۶۲	۰,۳۴	۱۱,۵	۱۲۴,۳
	۲۰۲۰	۵۵	۱۷۷	۲۸۸	۶۷۳	۵۵۱	۱۶	۱۷۶۰	۴,۴	۴۰۱۵۰	۰,۲۳	۱۹,۱	۲۰۷,۳
۲۰۲۱	(۱۵)۵۷	(۹)۱۴۶	(۸)۲۸۰	(۳)۷۲۸	(۲)۸۰۵	(۵۵)۱۸	۲۰۳۴	۳,۲۲	۶۳۱۳۰	۰,۲۹	۱۱,۱	۱۲,۰۳	
عمان	۲۰۰۱	(۲۸)۱۵	(۲۵)۲۵	(۲)۲۱	(۱۱)۱۸۹	(۵)۸۱۷	(۷)۴۵۵	۱۵۲۲	۱۳,۷	۱۱۰۷۴	۰,۱۸	۷۶,۱	۱۰۰
	۲۰۱۰	۳۷	۲۷۷	۱۷۴	۶۹۱	۴۲۴۴	۴۸۱	۵۹۰۴	۱۶,۱	۳۶۶۰۰	۰,۲۴	۶۷,۲	۸۸,۳
	۲۰۱۵	۸۰	۱۹۲	۲۷۲	۱۰۱۴	۲۰۵۰	۲۲۸	۳۸۳۶	۱۲,۰	۳۱۹۲۷	۰,۱۹	۶۳,۲	۸۳,۱
	۲۰۲۰	۱۲۵	۲۷۳	۲۱۰۲	۱۴۸۸	۳۶۸۰	۳۴۵	۷۹۱۳	۲۳,۶	۳۳۴۸۰	۰,۱۹	۱۲۴,۴	۱۶۳,۵
۲۰۲۱	(۳۰)۱۱۷	(۱۳)۳۲۲	(۷)۹۹۳	(۲)۱۷۲۹	(۳)۷۲۸	(۱۱)۴۰۵	۷۴۱۰	۱۶,۶	۴۴۵۹۱	۰,۲۰	۸۳,۱	۱۰۹,۲	
قطر	۲۰۰۱	(۲۰)۱۰	(۱۹)۱۳	(۳)۲۵	(۹)۱۱۴	(۵)۱۱۹۳	(۲)۴	۳۳۹	۳,۲	۱۰۷۰۶	۰,۱۷	۱۸,۸	۱۰۰
	۲۰۱۰	۱۷۶	۲۸۶	۱۵۷	۱۰۶۴	۷۲۷۹	۳۹	۹۰۰۱	۱۲,۰	۷۴۹۶۴	۰,۵۰	۲۴,۰	۱۲۷,۷
	۲۰۱۵	۲۲۷	۴۶۵	۱۹۱	۸۹۷	۴۳۳۵	۴	۶۵۱۹	۸,۴	۷۷۹۷۱	۰,۴۷	۱۷,۸	۹۶,۶
	۲۰۲۰	۰	۸۹۵	۷۴۸	۰	۱۰۸۷	۶	۲۷۰۶	۵,۳	۵۱۵۰۴	۰,۲۹	۱۸,۳	۹۷,۲
۲۰۲۱	(۱۰۰)۳	(۱۲)۱۷۰۲	(۲۱)۶۱۵	(۳۶)۱۵۹	(۶)۳۴۷۴	(۵۳)۳۲	۵۹۸۵	۶,۹	۸۷۲۰۳	۰,۲۹	۱۷,۶	۹۳,۶	
عربستان	۲۰۰۱	(۱۵)۱۱۷	(۱۰)۳۷۸	(۲۵)۱۳۴	(۱۹)۱۷۱	(۷)۸۵۸	(۲۰)۱۱۸	۱۷۷۶	۲,۶	۶۷۶۷۴	۱,۱۰	۲,۳۶	۱۰۰
	۲۰۱۰	۱۳۱۹	۱۳۴۱	۵۷۴	۱۴۰۱	۳۸۸۰	۲۴۳	۸۶۵۸	۳,۴۴	۲۵۱۵۷۷	۱,۶۷	۲,۰۶	۸۷,۳
	۲۰۱۵	۱۵۳۴	۱۵۷۴	۸۸۱	۱۶۲۳	۶۷۷۳	۱۲۳	۱۲۵۰۸	۵,۸۶	۲۱۳۳۷۶	۱,۳۰	۴,۵۱	۱۹۱,۱
	۲۰۲۰	۸۸۳	۱۳۹۵	۸۴۰	۰	۴۹۲۳	۰	۸۰۴۱	۴,۵۸	۱۷۶۵۰۸	۱,۰۱	۴,۵۱	۱۹۱,۱
۲۰۲۱	(۱۶)۱۱۳۷	(۱۱)۱۵۶۵	(۲۱)۱۵	(۲)۵۴۷۴	(۳)۵۴۷۴	(۱۹۹)۰	۹۰۳۰	۳,۳۸	۲۶۷۵۴۷	۰,۸۳	۴,۰۷	۱,۷۲	
امارات	۲۰۰۱	(۱۶)۱۵۵۷	(۷)۹۰۷	(۶)۵۱۶	(۲۲)۷۲۸	(۲)۱۰۵۶	(۱۱)۳۹۹۹	۸۷۶۳	۷,۵۹	۱۱۵۴۵۳	۱,۸۸	۴,۰۴	۱۰۰
	۲۰۱۰	۲۵۲۲	۴۲۷۳	۴۸۹۹	۳۳۵۱	۱۲۷۰۳	۱۶۲۰۹	۴۳۹۵۷	۱۲,۵۵	۳۵۰۱۲۳	۲,۳۱	۵,۴۳	۱۳۴,۵
	۲۰۱۵	۲۲۱۷	۳۱۳۶	۵۴۹۴	۳۱۶۵	۶۵۹۲	۱۶۲۰۹	۳۶۸۱۳	۱۲,۲۵	۳۰۰۴۷۹	۱,۸۳	۶,۶۹	۱۶۵,۷
	۲۰۲۰	۳۰۱۳	۷۰۴۷	۹۶۹۸	۰,۴	۲۱۸۳۱	۴۵۳۹	۴۶۱۲۳	۱۳,۷۶	۳۳۵۲۹۷	۱,۹۲	۷,۱۶	۱۷۷,۳
۲۰۲۱	(۱۶)۳۷۱۷	(۷)۹۲۳۶	(۶)۱۰۰۹	(۲)۲۶۵۶۴	(۲)۲۶۵۶۴	(۱۱)۶۵۸۱	۵۸۷۳۰	۱۳,۸۱	۴۲۵۱۶۰	۱,۹۲	۷,۱۹	۱۷۸,۱	
ایران	۲۰۰۱	(۴۶)۱۶	(۱۹)۹۴	(۶۴)۸	(۳۶)۵۸	(۷)۵۹۷	(۱۱)۳۹۹۹	۸۵۸	۳,۵۹	۲۳۹۰۴	۰,۳۹	۹,۲۰	۱۰۰
	۲۰۱۰	۲۸	۹۵	۱۰۸	۷۴	۳۳۳۶	۱۶۲۰۹	۳۷۲۱	۳,۴۳	۱۰۸۵۸۱	۰,۷۲	۴,۷۶	۵۱,۷
	۲۰۱۵	۱۰	۳۷۶	۱۴۷	۱۳۴	۴۸۹۴	۱۶۲۰۹	۵۷۹۹	۹,۶۶	۶۰۰۴۱	۰,۳۷	۲۶,۱۰	۲۸۳,۷
	۲۰۲۰	۹	۱۵۴	۳۱۰	۰	۱۲۰۶	۱۶۲۰۹	۱۹۰۹	۴,۶۵	۴۱۰۴۱	۰,۲۳	۲۰,۲۲	۲۱۹,۸
۲۰۲۱	(۷۴)۱۰	(۲۸)۱۵۸	(۱۳)۷۱۶	(۱۳۷)۰,۰۴	(۶)۴۹۲۹	(۱۱)۶۵۸۱	۵۹۴۷	۷,۹۱	۷۵۱۴۵	۰,۳۴	۲۳,۲۸	۲۵۳,۰	

Source: https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm

۸. آنچه از همگرایی تجارت درون منطقه‌ای اعضای شورا نتیجه می‌شود این است که تمام اعضای شورا با اندازه اقتصادهای متنوع کوچک تا بزرگ با سهم تجارت بالا (اقتصاد باز) شاهد توسعه روزافزون



در طی دوره بلندمدت ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ بوده و از تمام قطب‌های بزرگ و شرکای تجاری اصلی جهانی (جهان غرب: آمریکا و اتحادیه اروپا، جنوب شرق آسیا: ژاپن و کره و اخیراً چین) و منطقه‌ای بالاترین بهره برداری را به عمل آورده اند. متأسفانه در این بین توسعه اقتصادی تجاری ایران در دهه ۲۰۱۰ عقب‌گرد معنی‌داری داشته و با محدودیت تجارت، به تجارت با منطقه اکتفا کرده است. در این میان شکاف توسعه بویژه شکاف توسعه صادرات با سه اقتصاد بزرگ عضو شورا طی دوره بلندمدت از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ بیشتر و بیشتر شده است.

۳-۵-۳) همگرایی تجارت (صادرات) و شاخص شدت تجارت ایران با کشورهای عضو شورا

۱. صادرات کالایی ایران به جهان از ۲۳٫۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۱۰۸٫۶ و ۷۵٫۱ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱، با شاخص عملکرد ۴۵۴ و ۳۱۴٫۲ با رشد سالانه ۱۶٫۳ و ۵٫۶ درصد، بشدت بی‌ثبات، پرنوسان و در دهه ۲۰۱۰ روبه تنزل گذاشت و با شیوع کرونا (کووید ۱۹) در سال ۲۰۲۰ به محاق رفت. بنابراین سهم ایران از صادرات جهان از ۰٫۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۰٫۷۲ و ۰٫۳۴ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ فرازو فرود داشته است.

۲. صادرات درون منطقه‌ای ایران به شورا از ۸۵۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به ۳٫۷ و ۵٫۹ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ با شاخص عملکرد ۴۳۱٫۲ (۴٫۳ برابر) و ۶۸۷٫۶ (۶٫۹ برابر) و نرخ رشد سالانه ۱۵٫۷ و ۱۰٫۱ درصد روبه افزایش گذاشته است. سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با شورا، از ۳٫۶ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۳٫۴ و ۷٫۹ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ پرنوسان بوده است. طی این دو دوره، رشد صادرات ایران با شورا (۱۵٫۷ و ۱۰٫۱ درصد) در مقایسه با رشد صادرات جهانی ایران (۹٫۴ و ۶٫۳ درصد) پرشتاب‌تر بوده است. بنابراین صادرات درون منطقه‌ای ایران با کشورهای عضو شورا به ویژه در سال ۲۰۲۱ بشدت گسترش یافته است. در سال ۲۰۲۱ با تشدید تحریم‌ها توأم با شیوع کووید ۱۹، صادرات کالایی ایران به جهان بشدت کاهش، و صادرات درون منطقه‌ای ایران با شورا، بشدت افزایش یافته است. در این سال از کل صادرات ایران به اعضای شورا، ۸۳ درصد به بازار امارات بوده است و بقیه ۵ عضو شورا تنها ۱۷ درصد از صادرات ایران سهم داشته اند.

۳. شاخص شدت صادرات ایران با شورا از ۹٫۲ واحد در سال ۲۰۰۱ به ۴٫۸ و ۲۳٫۸ واحد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ تا ۲۰۵۲ و ۲٫۵۹ برابر پرنوسان بوده است، منتهی سهم ایران از صادرات جهانی از ۰٫۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۰٫۷۲ و ۰٫۳۴ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ تغییر کرد که گویای کاهش در سال ۲۰۲۱ است. طی دوره، افزایش سهم صادرات ایران با شورا توأم با کاهش بشدت بالای رشد صادرات جهانی



سبب شد که با وجود بهبود شاخص شدت صادرات، توسعه صادرات جهانی ایران هماهنگ و هم‌سو با آن رخ ندهد (به مثابه انحراف تجارت).

۴. هر چند در ابتدای دوره عمده صادرات ایران با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گرفت و سهم صادرات ایران با اعضای شورا در سطح پایین قرار داشت، منتهی طی دوره تا سال ۲۰۲۱ ارزش صادرات ایران با اعضای شورا تا ۶٫۹ برابر و سهم آن تا ۲٫۲ برابر شدیدا روبه افزایش گذاشته است. کاهش سهم ایران از صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات ایران با شورا به‌ویژه در سال ۲۰۲۱ گویای آن است که حداقل طی دوره، افزایش شاخص شدت صادرات ایران با شورا نه تنها به افزایش در صادرات جهانی ایران منجر نشده، بلکه سهم ایران از صادرات جهان روبه افول گذاشته است (به مثابه انحراف تجارت). اصولا توسعه صادرات درون منطقه‌ای برای کشوری موقعی مطلوب است که به توسعه صادرات جهانی منجر شود (ایجاد تجارت)، حال آنکه خلاف آن رخ داده است.

۵. نکته مهم‌تر اینکه از صادرات ایران به اعضای شورا ۴٫۹ میلیارد دلار، معادل ۸۳ درصد سهم امارات بوده است. ایران در صادرات عربستان رتبه ۱۹۹، و عربستان در صادرات ایران رتبه ۱۳۷ (نزدیک صفر) بوده است. این در صورتی است که در سال ۲۰۱۰ صادرات عربستان به ایران ۲۴۳ میلیون دلار، و صادرات ایران به عربستان ۸۰ میلیون دلار بوده است. مبادلات کالا و جریان تجارت متقابل ضعیف ایران و عربستان، حاکی از روابط تیره سیاسی و نبود عزم و اراده سیاسی نهاد هیئت حاکمه طرفین بوده است.

۴- مرور نقاط قوت و فرصت‌های پیش‌روی ایران در توسعه روابط با شورا با محوریت عربستان

با مرور مطالعات اخیر که در باره توسعه روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس صورت گرفته است، می‌توان اهم نقاط قوت و فرصت‌های پیش‌روی ایران برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری با این کشورها را به شرح زیر برشمرد:

۱. دیپلماسی اقتصادی: عربستان مهم‌ترین کشور نفتی، مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران و مهم‌ترین عضو شورا است. این کشور در سال‌های اخیر مسئله و بحران جانشینی پیچیده‌ای را از سر گذارنده و اهداف بلندپروازانه‌ای برای نقش‌آفرینی در قرن ۲۱ در چشم‌انداز ۲۰۳۰ تعریف کرده است. دیپلماسی



اقتصادی عربستان در پیامدهای طراحی و اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ در مسیر تحول بنیادین قرار دارد.^۱ در چارچوب این چشم‌انداز، ارتقای موقعیت این کشور به عنوان مرکز ثقل و هاب جهانی تجارت و سرمایه‌گذاری و منطقه‌ای برخوردار از موقعیت برتر در جهان اسلام به اهداف کلیدی دیپلماسی اقتصادی ارتقا خواهد یافت. بعلاوه سند جدید توسعه صنعتی عربستان که بر پایه کاهش نقش نفت در اقتصاد آن و همراهی با انقلاب صنعتی چهارم طراحی شده است نیز در شکل دهی به دیپلماسی اقتصادی نقش ممتازی دارد.^۲ در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰، ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی عربستان در سال‌های اخیر در راستای تمرکزگرایی و افزایش اختیارات نهادهای بوروکراتیک متحول شده است.^۳ شورا همچنان در کانون دیپلماسی اقتصادی عربستان قرار دارد و عربستان از مسیر شورا، مذاکرات آزادسازی تجاری را به پیش می‌برد. در حوزه سرمایه‌گذاری، عربستان تلاش دارد تا اصلاحات بنیادینی در راستای جذب سرمایه خارجی صورت دهد.^۴ از دیگر سو تلاش می‌کند تا مازاد درآمدهای نفتی را در بخش‌های جذاب و آینده‌دار زنجیره‌های ارزش سرمایه‌گذاری نماید. کمک‌های توسعه‌ای عربستان به عنوان بخش مهمی از دیپلماسی اقتصادی عربستان بر جهان در حال توسعه متمرکز شده و در راستای منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک صورت می‌گیرد.^۵ (دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی، اتاق ایران، ۱۴۰۱).

۲. مجموعه عوامل موثر در توسعه روابط ایران با اعضای شورا؛ روابط اقتصادی و تجاری ایران و کشورهای عضو شورا با محوریت عربستان تابع دو دسته عوامل است. دسته نخست به موضوعات سیاسی در سطح منطقه هم‌چون روابط ایران و آمریکا، و ایران و عربستان است؛ هر چند بسیاری از اعضای شورا سیاست بی‌طرفی فعال در منطقه را در پیش گرفته و تلاش دارند به عنوان میانجی در روابط بازیگران منطقه نقش ایفا نمایند، با این حال ماهیت روابط اعضای شورا با ایالات متحده و عربستان همواره محدودیت‌هایی را در زمینه توسعه روابط با ایران پیش روی اعضای شورا قرار داده است. دسته دوم شامل عوامل اقتصادی است؛ هر چند به طور کلی اقتصاد ایران و اعضای شورا ماهیتاً مکمل کامل

1. <https://www.vision2030.gov.sa/v2030/leadership-message/> and <https://www.tandfonline.com/doi/abs/...?journalCode=cbjm20>

2. <https://misa.gov.sa/en/investor-support/> and <https://data.worldbank.org/country/SA>

3. <https://www.britannica.com/place/Saudi-Arabia/Government-and-society>

4. <https://www.investsaudi.sa/en/investor/incentives>, <https://www.tayseer-alsaudia.com/en/home/> and <https://www.policyforum.net/tackling-saudi-arabias-economic-diplomacy-challenges/>

5. <https://gaft.gov.sa/en/about-gaft/pages/vision.aspx>, <https://www.saudiexports.gov.sa/en/eservices/FND>, <https://www.arabianbusiness.com/gcc/saudi-arabia/saudi-arabia-industries/...-new-industrial-strategy-exports-to-reach-> and <https://www.vision2030.gov.sa/v2030/vrps/nidlp/>



نیستند، با این وجود بازار مصرف نسبتاً بزرگ (جمعیت نزدیک ۶۰ میلیون نفر)، اما ثروتمند کشورهای عضو شورا، زمینه مناسبی را برای صادرات محصولات صنعتی، مواد معدنی و محصولات کشاورزی، غذا و آشامیدنی فراهم کرده است که لازمه بهره برداری از آن شناخت ذائقه مصرف‌کنندگان و رعایت استانداردهای ملی این کشورها است (سیاست تجاری کویت، اتاق ایران، ۱۴۰۱).

۳. فرصت‌های راهبردی ایران با برخی اعضای شورا: مسئله صادرات گاز ایران به برخی اعضای شورا از جمله کویت، عمان و امارات، علی‌رغم بی نتیجه ماندن چند دور مذاکره، بزرگ‌ترین فرصت ایران در سطح ملی برای توسعه روابط اقتصادی با آن کشورها است؛ به نتیجه رسیدن مذاکرات و اجرایی شدن صادرات گاز ایران به برخی اعضا جدا از پی‌آمدهای راهبردی آن، به الگویی برای صادرات گاز ایران به سایر کشورهای منطقه می‌تواند تبدیل شود و همچنین بر ورود بخش دولتی و خصوصی ایران به پروژه‌های توسعه‌ای اعضای شورا همچون شهر ابریشم و کاهش وابستگی ایران به مرکز ثقل تجارت منطقه - دوبی - موثر واقع شود (همان ماخذ). در همین راستا، نکاتی هم چون تمرکز تعاملات تجاری و اقتصادی با اعضای شورا در چند مناطق آزاد با هدف بازیابی و احیای نقش اقتصادی و احیای بنادر ایرانی حاشیه خلیج فارس؛ تجهیز شناورهای ایرانی به ابزار مکان‌یابی با هدف برآوردن استانداردهای مورد نظر اعضای شورا برای ورود شناورهای ایرانی؛ تشکیل جلسات کمیته مشترک کنسولی ایران و اعضای شورا برای برطرف کردن مسائل و تنگناهای موجود در خصوص روادید؛ واقفان کشورهای عضو شورا در خصوص تاسیس کنسولگری در استان‌های جنوبی از خوزستان تا سیستان و بلوچستان را می‌توان به عنوان برخی راهکارهای عملی برای توسعه تعاملات اقتصادی ایران و اعضای شورا و رفع موانع موجود مدنظر قرار داد.

۴. جدیت سیاست متنوع سازی اقتصادی در کشورهای عضو شورا: این سیاست نظر به محدودیت جمعیتی و عرضه نیروی کار، فرصت مناسبی برای همکاری ایران با این کشورها در زمینه‌هایی همچون ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک در سواحل جنوبی ایران فراهم می‌نماید. چنین شهرک‌هایی بستر مناسبی برای هم‌افزایی سرمایه آن کشورها و نیروی کار ماهر ایرانی فراهم می‌کند. نظر به دانش انباشته شده و در دسترس بودن نیروی کار متخصص و ماهر در ایران، این همکاری‌ها می‌تواند در زمینه تولید محصولات صنعتی با ارزش افزوده بالاتر نیز توسعه یابد.

1. <https://oxfordbusinessgroup.com/analysis/mining-ideas-advanced-infrastructure-already-place-mining-sector-poised-serious-expansion>



۵. ظرفیت طرح‌های سرمایه‌گذاری تولیدی، صنعتی و خدماتی مشترک: با توجه به عضویت اعضای شورا در سازو کارهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی و امکان مالکیت بر سرمایه گذاری به نسبت بالا در کشورهای عضو شورا، این کشورها می‌تواند به محلی برای تولید کالاهای ایرانی به طور مشترک تبدیل شود؛ چنین محصولاتی از قید و بند تحریم‌ها رها می‌باشد و به بازار کشورهای عضو شورا دسترسی خواهد داشت.
۶. نهادهای پشتیبان توسعه تجارت: نظر به ناآشنایی تجار و بازرگانان و صنعتگران اعضای شورا با تنوع و کیفیت محصولات ایرانی یکی از موانع توسعه روابط تجاری ایران با اعضای شورا محسوب می‌شود، برگزاری نمایشگاه‌ها و دعوت از تجار و صنعتگران برای بازدید از مراکز صنعتی ایران با محوریت بخش خصوصی می‌تواند در رفع و رجوع و حل این مسائل موثر واقع شود.
۷. استفاده از ظرفیت عظیم سرمایه انسانی ایرانی: نظر به نرخ بیکاری بالا به خصوص در بین تحصیل‌کردگان ایرانی و تلاش اعضای شورا برای بازنگری رویه‌های جذب نیروی کار و تمرکز بر ورود نیروی کار ماهر، این مسیر می‌تواند از جمله راهکارهای توسعه روابط همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و تجاری ایران با اعضای شورا باشد؛ با توجه به ضرورت حفظ و شان اتباع ایرانی، این مورد با نظارت سفارت ایران در مراکز اعضای شورا و در پی توافقات مشخص بین دولت ایران و کشورهای عضو شورا انجام شود.
۸. کنترل و مدیریت شوک‌ها و تکان‌های غیراقتصادی: در دو دهه اخیر، هرچند تبادلات تجارت کالایی ایران و بسیاری از اعضای شورا روند صعودی به خود گرفته، اما این روند به شدت پرنوسان و ناپایدار بوده است؛ به طوری که با قطع روابط سیاسی عربستان از نیمه دهه ۲۰۱۰، تشدید تحریم‌ها از سال ۲۰۱۸ و شیوع کرونا از سال ۲۰۲۰، ارزش مبادلات تجاری ایران و بسیاری از اعضای شورا پیوسته پرنوسان و بی‌ثبات بوده است.
۹. تحقق فرصت‌های بالقوه تجاری: بررسی ترکیب اقلام صادراتی ایران به کشورهای عضو شورا، حاکی از آن است که صادرات ایران غالباً مواد خام و نیمه‌خام هستند. این در حالی است که کشورهای منطقه با محوریت ترکیه در بسیاری بخش‌ها و فعالیت‌های صنعتی رقیب ایران به حساب آیند، هرکدام به طریقی در حال تعریف کردن مزیت‌های نسبی و رقابتی هستند که می‌توانند جایگزین منافع ایران در آینده نه چندان دور در این کشورها شوند.
۱۰. بسته جامع توسعه روابط همه جانبه: ایران با دقت در اسناد بالادستی دهه آتی اعضای شورا و شناخت بخش‌های پیشران آن، از یک طرف افزایش صادرات غیرنفتی را در دستور کار قرار دهد و از



طرف دیگر با اجرایی کردن طرح‌های راهبردی، همانند خط لوله صادرات گاز، مناسبات اقتصادی خود را با این کشورها عمق دهد. همچنین با توجه به اینکه نیروی کار در این کشورها از مهارت‌ها و آموزش‌های کافی برخوردار نیستند و بخش مهمی از نیروی کار در بازار کار کشورهای عضو شورا را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند و با توجه به قوت ایران در پرورش نیروی تحصیلکرده و صادرات خدمات فنی مهندسی، شایسته است از این فرصت نیز برای افزایش صادرات خدمات علمی و فنی به این کشورها بهره کافی برده شود.

۵- جمع‌بندی نتایج پژوهش، توصیه‌های سیاستی و ملاحظات تکمیلی

مؤلفه‌ها و پیش‌زمینه‌های منطقه‌گرایی از جمله در چهارچوب یکپارچگی منطقه‌ای ایران با شورا متنوع است، ولی همگی از دسته عوامل و شرایط یکسان و یا مشابهی برخوردار هستند که در این ارتباط، مولفه‌هایی نظیر جغرافیا، جنبه‌های اقتصادی، مشترکات فرهنگی و عزم و اراده سیاسی حائز اهمیت هستند. البته علاوه بر آثار و پیامدهای اقتصادی منطقه‌گرایی، انگیزه‌های غیراقتصادی در شکل‌گیری منطقه‌گرایی تعیین‌کننده اند که در این رابطه می‌توان به ثبات و امنیت منطقه‌ای، تثبیت اصلاحات و افزایش قدرت چانه‌زنی اشاره کرد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد:

۱. بر اساس مبانی نظری، منطقه‌گرایی میان توسعه‌یافته‌ها موجب همگونی درآمد سرانه آنها شده و این فرایند برای دو کشور فقیر با اختلاف شدید سطح توسعه، موجب تشدید نابرابری و ناهمگونی درآمد سرانه آنها می‌شود. در میان اعضای شورا، دامنه درآمد سرانه برای برخی اعضا بدون تغییر و برای برخی روبه کاهش بوده است ولی اساساً شکاف در درآمد سرانه بین اعضا کم شده است. شورا از جنبه همگونی و تجانس درآمد سرانه موفق بوده و فرایند همگونی درآمد سرانه در بین اعضا تأیید می‌شود. حال آن که دامنه و شکاف درآمد سرانه ایران و اعضای شورا طی دوره بلندمدت مورد بحث نه تنها روبه بهبود نگذاشته، بلکه حتی با برخی اعضا این دامنه و شکاف بیشتر نیز شده است. بنابراین ارتقای درآمد سرانه اعضای موفق شورا و نیز تحلیل شکاف درآمد سرانه ایران با اعضا اساساً متأثر از عوامل بنیادین رشد و توسعه آن کشورها است و در این بین، همچنین سیاستهای اقتصادی و تجاری منطقی اعضای شورا اهمیت داشته است، که بایستی مورد توجه و اهتمام ویژه دولتمردان کشور قرار گیرد.



۲. سهم تجارت درون منطقه‌ای در موارد یکپارچگی‌های منطقه‌ای در جهان با یکدیگر اختلاف عمده‌ای دارند. سهم تجارت درون منطقه‌ای بین کشورهای عضو منطقه گرایی‌های با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه کشورهای با درآمد پایین است. آهنگ رشد صادرات درون منطقه‌ای شورا از آهنگ رشد صادرات جهانی شورا بالاتر بوده و البته سهم صادرات شورا از صادرات جهانی در سالهای ۲۰۲۱ و ۲۰۲۰ روبه بهبود گذاشته است. ۳. شاخص شدت تجارت (صادرات) در شورا از ۱,۵۹۶ واحد در سال ۲۰۰۱ به ۲,۳۷۱ و ۱,۷۲۰ واحد در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ رو به افزایش است. شاخص شدت تجارت به سال پایه ۲۰۰۱ از واحد ۱۰۰ به ۱۰۷,۸ و ۱۴۸,۵ در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ روبه بهبود بوده است. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای از صادرات جهانی شورا توام با افزایش چشمگیر سهم صادرات کالایی جهانی شورا از صادرات جهانی باعث شده تا به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا، شاخص شدت تجاری روبه فزونی گذارد. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا باعث شده تا شاخص شدت صادرات در شورا افزایش یابد (وقوع ایجاد تجارت شورا برای اعضا).
۳. هرچند سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا نازل است و به جز تعدادی از اعضا با اندازه تجارت پایین، غالب صادرات اعضا با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد ولیکن روند آن در دو دهه اخیر روبه فزونی گذارده است. بدین ترتیب افزایش سهم شورا در صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا گویای آن است که حداقل طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۲۱ بهبود در شدت روابط تجاری شورا منجر به توسعه صادرات جهانی آن شده است (ایجاد تجارت). افزایش شدت روابط تجاری در اثر افزایش صادرات درون منطقه‌ای توام با افزایش سهم شورا در صادرات جهانی، نشانه وقوع ایجاد تجارت است. با وجود این دامنه سهم صادرات درون منطقه‌ای پایین، حداقل ۵,۸۹ درصد در ابتدا در سال ۲۰۰۱ و حداکثر ۱۰,۲۶ درصد در انتها در سال ۲۰۲۱، پایین است.
۴. طی دوره افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای ایران از تجارت شورا، کاهش سهم تجارت فرامنطقه‌ای ایران توام با توقف و کاهش رشد تجارت جهانی ایران، منجر شده که شدت تجارت شورا و ایران طی دوره شدیداً افزایش یابد. طی دوره، کاهش سهم صادرات فرامنطقه‌ای ایران توام با کاهش رشد صادرات ایران سبب شد که به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای، شاخص شدت صادرات ایران با شورا افزایش یابد. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با شورا توام با آهنگ رشد پایین و کاهش صادرات جهانی ایران گویای آن است که افزایش شاخص شدت تجاری ایران به افزایش در صادرات جهانی ایران منجر نگردید (به مثابه انحراف تجارت).

۵. مهم‌ترین دلیل عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای، سطح نازل توسعه یافتگی تجارت و ساختار ضعیف صادراتی ایران بوده است و در این شرایط، امکان توسعه تجارت به ویژه تجارت درون منطقه‌ای درون‌زا و پویای چشمگیر میسر نخواهد بود. توسعه تجارت درون و فرامنطقه‌ای ایران در نگرشی کلی نیازمند پیش نیازهای زیر است:

نخست، اصلاحات سیاستی کلان برای ثبات محیط اقتصاد کلان ایران با محوریت رشد و توسعه پایدار و فراگیر اقتصادی و کاهش ریسک‌ها با محوریت کاهش چشمگیر نرخ تورم و کنترل تکانه‌های غیراقتصادی؛

دوم، اصلاحات در سیاست تجاری ایران با هدف‌گذاری برچیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و ثبات بخشی توام با منطقی‌سازی میزان نرخ تعرفه‌های گمرکی سراسری (گام نخست؛ ارایه اطلاعات آماری جامع و به‌روز)؛

سوم، شناسایی شرکای تجاری طبیعی درون و فرامنطقه‌ای ایران هموارکننده وقوع ایجاد تجارت، در شرایط ایستا و پویای بلندمدت و چشم‌انداز توسعه تجارت پایدار فراگیر بویژه توسعه صادرات صنایع کارخانه‌ای اشتغال‌زا، و متعاقبا دانش‌بنیان؛

چهارم، تحولات ساختاری در تجارت کالا و خدمات ایران با هدف ارتقای مزیت نسبی و دستیابی به مزیت‌های رقابتی با محوریت صنایع اشتغال‌زای ارزآور و متعاقبا دانش‌بنیان و توسعه انواع خدمات از جمله گردشگری.

پنجم، از بررسی و تحلیل قوت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی ایران در توسعه روابط با اعضای شورا با محوریت عربستان از جمله دیپلماسی اقتصادی، مجموعه عوامل در توسعه روابط، فرصت‌های راهبردی ایران، جدیت سیاست متنوع سازی اقتصادی در اعضای شورا، ظرفیت انواع طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، نهادهای پشتیبان توسعه تجارت، استفاده از ظرفیت عظیم سرمایه انسانی ایرانی، کنترل و مدیریت شوک‌ها و تکانه‌های غیراقتصادی، تحقق فرصت‌های بالقوه تجاری، و نهایتاً بسته جامع توسعه روابط همه جانبه قابل احصا و شناسایی است. در تعامل و توسعه متقابل ایران و کشورهای عضو شورا، آن ظرفیت‌های بالقوه قابلیت بالفعل را دارند.



منابع و مآخذ

- امیراحمدیان، ب. و حسینی، م. ع. (۱۳۹۰). مطالعه جایگاه ژئواکونومی سازمان همکاری شانگهای در جهان، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، انجمن ژئوپلیتیک ایران، پاییز، ش. ۳، سال ۷۰، ۱۰۱-۱۳۵.
- اتاق ایران (۱۴۰۱). سیاست تجاری کویت، مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، بهمن، ۳۳ ص.
- اتاق ایران (۱۴۰۱). دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی، مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، بهمن، ۲۴ ص.
- اتاق ایران (۱۴۰۱). سیاست تجاری قطر، مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، بهمن‌ماه.
- حسینی، م. ع. (۱۳۷۶). نگاهی به امکانات مبادلاتی کشورهای حوزه خلیج فارس. همایش بین‌المللی رویکردهای منطقه‌ای در خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. اسفند ماه.
- حسینی، م. ع.، امیراحمدیان، ب. و نصیرزاد، م. (۱۳۹۷). مطالعه شاخص‌های توسعه ای کشورهای ساحلی خزر در فرایند منطقه‌گرایی. مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار و تابستان، ش. ۱، سال ۱۱، ۸۰-۵۹.
- حسینی، م. ع. و بزرگی، و. (۱۳۸۱). شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک همپبوندی منطقه‌ای. پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تابستان، ش. ۲۳، سال ۶، ۳۶-۱.
- حسینی، م. ع. و هومن، ت. (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌الملل کشورهای اکو در فرایند منطقه‌گرایی. دانش و توسعه، تابستان، ش. ۲۳، سال ۶، ۳۶-۱.
- حسینی، م. ع. (۱۳۸۶). آثار ترتیبات تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) بر توسعه تجارت ایران (طرح پژوهشی و کتاب)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۴۳۱ ص.
- حسینی، م. ع. (۱۳۹۰). توسعه تجارت ایران با سازمان همکاری شانگهای (طرح پژوهشی و کتاب)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۵۰ ص.
- راسخی، س. و حسینی، م. ع. (۱۳۹۶). ارزیابی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای حوزه دریای خزر.



مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار و تابستان، ش. ۱۰، سال ۱۰، ۶۷-۸۴.

- ویسی، هادی (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی رابطه شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۴۵-۱۶۷.

References

- Asian Development Bank (2022), Integration Indicators technical notes, <https://aric.adb.org/integration-indicators-technotes>
- Barry, Donald and Ronald C. Keith (1999). Regionalism, Multilateralism, and the Politics of Global Trade. Vancouver: UBC Press.
- Bernard Hoekman and Maurice Schiff (2002). Benefiting from Regional Integration, Development, Trade and the WTO, (Washington, D.C: The World Bank), p.553.
- Harmsen, Richard and Leidy, Michael (1994). Regional Trading Arrangements, The Uruguay Round and Beyond, Background Papers II.
- <https://oxfordbusinessgroup.com/analysis/mining-ideas-advanced-infrastructure-already-place-mining-sector-poised-serious-expansion>
- <https://misa.gov.sa/en/investor-support/>
- <https://www.investsaudi.sa/en/investor/incentives>
- <https://www.tayseer-alsaudia.com/en/home/>
- <https://data.worldbank.org/country/SA>
- <https://www.vision2030.gov.sa/v2030/leadership-message/>
- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/...?journalCode=cbjm20>
- <https://www.britannica.com/place/Saudi-Arabia/Government-and-society>
- <https://www.policyforum.net/tackling-saudi-arabias-economic-diplomacy-challenges/>
- <https://gaft.gov.sa/en/about-gaft/pages/vision.aspx> <https://www.saudiexports.gov.sa/en/eservices/FND>
- <https://www.arabianbusiness.com/gcc/saudi-arabia/saudi-arabia-industries/...-new-industrial-strategy-exports-to-reach->
- International Monetary Fund (IMF) (1998-2022). Direction of Trade Statistics Year book, Washington: International Monetary Fund Publications. ([http://www. IMF. Org](http://www.IMF.Org))
- Melo, James (1992). The New Regionalism in Trade Policy, The World Bank.



- Sheila, Page (2000). Regionalism among Developing Countries, Macmillan Press LTD. Overseas Development Institute. London.
- Soamiley Andriamanajara (2001). Preferential Trade Agreements and the Multilateral Trading System, International Economic Review, (Jan.), p. 2.
- UNCTAD (1995-2022). Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2022. New York: UN Publications.) www.UNCTAD.Org(
- UNCTAD. (2022). World Investment Report, FDI/TNC database. Geneva: Union Nation Conference Trade And Development. Retrieved from www.unctad.org/fdistatistics.
- World Bank (2001). Trade Blocs: A World Bank Policy Research Report, New York: Oxford University Press.
- World Bank (2022). World Development Indicators Database 1998- 2021. WB, www.worldbank.org/Data/...)
- World Trade Organisation (WTO) (2022). World Trade Report 2022 (<http://www.wto.Org>).





مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی

گروه:

مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی خارجی

تهیه‌کننده:

دکتر میرعبداله حسینی

ناظر علمی:

دکتر علی زاهدطلبان

اظهار نظر کننده:

فرزاد مرادپور

تاریخ انتشار:

مرداد ماه ۱۴۰۲



www.itsr.ir